

1-135
1-148

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 1

Date of filing: 14 May 84

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award _____
_____ pages in English 51 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

۱-۱۳۵
۱-۱۳۸

پرونده شماره ۱

شعبه سه

حکم شماره ۱-۲-۱۱۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
 دادگاه داورى داورى
 ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED

تاریخ: ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۲
 14 MAY 1984

شماره: ۱

ویلیام ال. پیرااسوشی ایترس ایران ،
خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده .

DUPLICATE ORIGINAL

نسخه برابر اصل

حکم

حاضران :

از جانب خواهان : آقای استنتون پی . بلاند ،

آقای تامس پی . مک گوایر ،

وکلاي خواهان ،

آقای نیل دبلیو . برن براثر ،

نماینده خواهان .

از جانب خواننده : آقای محمدکریم اشراق ،

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران ،

آقای محمدخاور ،

مشاور حقوقی ،

آقای یوسف مولائی،
وکیل وزارت مسکن ،

آقای ویگن زرگریان،
معاون فنی،

آقای غلامعلی ظریف گلزارزاده ،
از وزارت دارائی،

آقای علی رهنمون،
دستیار مالی.

همچنین : آقای آرتوردیلیو، رواین ،
نماینده رابط ایالات متحده آمریکا .

بخش اول - جریان دعوی

خواهان، ویلیام ال. پیرا اسوشی ایتس ایران ("پیرا") در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۱ (۲۸ مهر ماه ۱۳۶۰) دادخواست خود را به طرفیت خواننده جمهوری اسلامی ایران به ثبت رساند.

در تاریخ ۷ مه ۱۹۸۲ (۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) لوایح دفاعیه و ادعای متقابلی توسط سازمان برنام و بودجه ایران، به ثبت رسیده و مرکز پزشکی ایران و وزارت مسکن و شهرسازی نیز مشترکاً " لوایح دفاعیه و ادعای متقابل خود را ثبت کردند. در ۳۱ مه ۱۹۸۲ (۱۵ خرداد ماه ۱۳۶۱) مرکز پزشکی ایران، وزارت علوم و آموزش عالی، و وزارت امور اقتصادی و دارائی مشترکاً " دفاعیه دیگر و صلاحیه ای بر ادعای متقابل، به ثبت رساندند.

در تاریخ ۹ اوت ۱۹۸۲ (۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۱) خواهان حوابیه ای در مورد ادعای متقابل و دفاعیه، نزد دیوان به ثبت رساند. در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۸۲ (۳ آبان ماه ۱۳۶۱)، سندی توسط وزارت علوم و آموزش عالی ایران به ثبت رسید که در آن هزینه های داور و وزارتخانه مزبور مطالبه شده بود.

جلسه استماع مقدماتی در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۸۲ (۱۱ آذر ماه ۱۳۶۱) برگزار شد که ضمن آن خواهان لایحه و ادله و مدارکی در تائید صلاحیت قانونی خود در اقامه ادعا تسلیم کرد. در استماع مقدماتی فوق، طرفین قید کردند و وزارت مسکن و شهرسازی از آن به بعد تنها واحد دولت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود که از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران در پرونده حاضر اقدام کرده و توأماً " با جمهوری اسلامی ایران " خواننده " پرونده خواهد بود.

در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۹ آذر ماه ۱۳۶۱)، دیوان دستوری صادر کرد که ضمن آن تصمیم فوق ثبت و از خواننده خواسته شد که ترجمه صحیح لایحه دفاعیه و ادعای متقابل را که بدو " توسط وزارت مسکن و شهرسازی و مرکز پزشکی ثبت شده بود، و نیز ترجمه مدارک پیوسته آن را، تسلیم نماید. در دستور همچنین، تاریخ تسلیم مدارک کتبی نیز تعیین شده بود.

در ۳۱ ژانویه ۱۹۸۳ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۱) وزارت مسکن و شهرسازی لایحه دفاعیه و ادعای متقابل تجدیدنظرشده ای را بدون هیچگونه ضامینی، به ثبت رسانند. خواهان در تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۳ (۹ اسفند ۱۳۶۱) یک لایحه توجیهی درخصوص موضوعات حقوقی و مستندات و در تاریخ اول مارس ۱۹۸۳ (۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۱) یک لایحه قبل از استماع، تسلیم نمود. لایحه توجیهی و مستندات خوانده در اول مارس ۱۹۸۳ (۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۱) به ثبت رسید.

خواهان در ۱۱ مارس ۱۹۸۳ (۲۰ اسفند ۱۳۶۱) نظرات خود را درباره دفاعیه و ادعای متقابل تجدیدنظرشده خوانده، و در ۲۹ آوریل ۱۹۸۳ (۹ اردیبهشت ۱۳۶۲) لایحه و مدارک معارض خود را، به ثبت رسانند. وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران لایحه و مدارک دیگری در تاء یبید ادعای متقابل خوانده بابت بدهی های مالیاتی ادعائی در ۱۲ مه ۱۹۸۳ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۲) تسلیم، و خواهان نیز در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۸۳ (۲ خرداد ماه ۱۳۶۲) - درخواستی مبنی بر رد این ادعای متقابل ثبت نمود.

استماع پرونده روزهای ۳۰ و ۳۱ مه ۱۹۸۳ (۹ و ۱۰ خرداد ماه ۱۳۶۲) برگزار کردید که ضمن آن هر دو طرف در جلسه حضور بهم رسانده و ادله و مدارک و استدلالات شفاهی خود را ارائه نمودند. در طی استماع، خواننده بر آن شد که ادعای متقابل مربوط به تخلفات مالیاتی ادعائی را اصلاح نماید.

پس از برگزاری جلسه استماع، عضو منصوب جمهوری اسلامی ایران در دیوان استعفا کرد و عضو جدیدی نصب گردید. دیوان طبق ماده ۱۴ قواعد خود تصمیم گرفت که استماع قبلی را تجدیدنکند. بعلاوه، عضو دیوان منصوب ایالات متحده که پس از استماع ماهیت دعوی از کار دیوان کناره گرفته بود، طبق قواعد دیوان در صورتی شرکت جست.

خواننده و وزارت امور اقتصادی و دارایی متعاقباً " لوایحی را به ثبت رساندند که دیوان اجازه ثبت آنها را نداده بود. از جمله این لوایح غیر مجاز بخشی بود که در درجه اول به دعاوی متقابل مرتبط با مالیات و بیمه های اجتماعی و ادله کتبی دیگر مربوط می شد. رعایت نظم، انصاف و اجتناب از لطمات احتمالی به طرفین ایجاب می کند که لوایح مزبور نادیده گرفته شود.

بخش دوم - شرح ما وقع

در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۷۶ (۲ تیرماه ۱۳۵۵)، پیرا و یک شرکت مهندسی ایرانی موسوم به مهندسین مشاور، معماری و شهرسازی پارتیا ("پارتیا")، یک قرارداد خدمات مهندسی مشاور ("قرارداد") با مرکز پزشکی ایران منعقد ساختند که طبق آن قرار شد در رابطه با ساختمان یک مجتمع پزشکی عظیم در تهران، ایران خدمات معماری و مهندسی ارائه نمایند. پیرا و پارتیا قرارداد را "متصامنا" امضاء و تواءم "در قسمت مقدمه قرارداد" مهندس مشاور خوانده شدند. معذک، در قرارداد، تعهدات پیرا و پارتیا به طور جداگانه تشریح شده و مقرر گردید که حق الزحمه آنها به طور جداگانه پرداخت شود.

خدمات مقرر در قراردادی بابت در سه مرحله انجام گرفته. مرحله اول که قرار بود با تسلیم گزارشی تا تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۷۷ (۳ فروردین ۱۳۵۶) پایان پذیرد شامل انجام مطالعات و تهیه نقشه‌های اولیه همراه با گزارشی توجیهی توسط پیرا و نیز تهیه برآورد مقدماتی هزینه‌ها توسط پارتیا، بود. مرحله دوم که قرار بود یازده ماه پس از تصویب گزارش مرحله اول تکمیل گردد، شامل تسلیم گزارشی حاوی نقشه‌های کامل طراحی و مشخصات پروژه توسط پیرا و تسلیم برآورد نهایی هزینه و اسناد مناقصه توسط پارتیا بود. مرحله سوم، اجرای عملیات مناقصه توسط پارتیا ظرف دو ماه پس از دریافت دستور شروع کار (ماده ۱-۲ ج)؛ پیوست یک، ماده ۴ پیوست دو، ص ۰۹. نظارت آرشیتکتی و هماهنگ کردن ساختمان پروژه توسط پیرا، با همکاری پارتیا، ظرف مدت هشتاد و چهار ماه پس از امضای قرارداد ساختمان، راد برمی گرفت. (ماده ۱-۳؛ ماده ۴ پیوست یک) .

ماده ۲-۲ قرارداد مرکز پزشکی را مجاز می ساخت که " در هر موقع خدمات مورد احتیاج را تغییر داده و بعضی خدمات را حذف یا اضافه نماید... " که در این صورت حق الزحمه مهندس مشاور نیز متناسباً، با توجه به کار و هزینه و تعهدات انجام شده به ترتیبی که

مورد توافق طرفین قرار گیرد، کسر با اضافه خواهد شد". در ماده ۳ پیوست یک قرارداد همچنین قید شده بود که مرکز پزشکی ایران در نظر دارد که کارهای ساختمانی قسمتهای معینی از پروژه را همزمان با پیشرفت کارهای معماری سایر قسمتهای پروژه طبق برنامه زمانی تعیین شده تسریع نماید"، و بنا بر این "حق الزحمه کارهایی که قبل از موعد مقرر در این قرارداد اجرا گردد متناسباً پرداخت خواهد شد".

به موجب ماده ۳ - ۴ قرارداد، مهندس مشاور موظف بود:

مراحل مختلف پروژه و اسناد و مدارک مناقصه و کلیه گزارشها و مکاتبات خود را به زبان فارسی تهیه نماید و در مواردیکه کارها بایده مناقصه بین المللی گذاشته شود مهندس مشاور باید اسناد مربوطه را با نظر کارفرما علاوه بر زبان فارسی به زبان انگلیسی یا فرانسه نیز تهیه نماید.

ماده ۵ قرارداد مقرر می دارد که "کارفرما ظرف یکماه از تاریخ دریافت گزارش و مدارک کامل هر مرحله نظر خود را کتبا "اعلام خواهد داشت". چنانچه مرکز پزشکی ایران ظرف یک ماه مذکور نظر خود را در مورد عدم انطباق کارهای انجام شده بوسیله مهندس مشاور بنا وظایف مندرج در این قرارداد با ذکر موارد اختلاف، اعلام ندارد گزارش و مدارک مذکور تصویب شده تلقی گردیده و مبنای بررسیها و عملیات بعدی خواهد شد" و در صورتیکه چنین نظری اعلام شود، مهندس مشاور موظف است گزارش و مدارک مذکور را ظرف مدت یکماه یا در صورت آن مرحله (هر کدام بیشتر باشد)، بر اساس نظرات کارفرما، بدون دریافت حق الزحمه اضافی اصلاح و تهیه نماید.

قرار بود پیرا بابت خدمات مرحله اول خود (ماده ۱۱ و ماده ۵ پیوست یک) ۰/۹۵ درصد "برآورد هزینه مرحله اول را که به تصویب برسد" در چهار قسط به شرح زیر دریافت دارد: ۲۵ درصد به ماخذ برآورد هزینه تعیین شده پروژه یعنی، ۱۱ میلیارد ریال (ماده ۲ پیوست یک) که در قبال افتتاح ضمانت نامه بانکی، به عنوان پیش پرداخت تادیه خواهد شد؛ دو فقره ۲۵ درصد دیگر که بر اساس همان برآورد محاسبه خواهد شد و یک فقره پرداخت نهائی بابت ۰/۹۵

درصد برآورد تصویب شده، منهای پرداختهای قبلی (ماده ۱۱ الف)، ماده ۱ - ۱۳ و ماده ۵ پیوست یک).

بابت مرحله دوم قرار بود پیرا ۲/۳۷۵ درصد برآورد نهائی تصویب شده برای آن مرحله را در پنج قسط به شرح زیر دریافت نماید: ۲۰ درصد به مأخذ برآورد تصویب شده مرحله اول که به عنوان پیش پرداخت در مقابل گشایش ضمانت نامه بانکی قابل پرداخت بوده، سه فقره ۲۰ درصد دیگر به همان مأخذ، و یک فقره پرداخت نهائی ۲/۳۷۵ درصد برآورد نهائی تصویب شده منهای پرداختهای قبلی مرحله دوم (ماده ۱۱ ب)، ماده ۱ - ۱۳، ماده ۵ پیوست یک).

حق الزحمه پیرا بابت مرحله سوم معادل ۱/۴۲۵ درصد "هزینه واقعی عملیات" بود که قرار بود بتدریج متناسب با پیشرفت کار ساختمان پرداخت شود و نیز قرار بود که ده درصد آن به عنوان پیش پرداخت در مقابل گشایش ضمانت نامه بانکی و بر مبنای برآورد هزینه نهائی تصویب شده مرحله دوم پرداخت شود. (مواد ۱۱ ج)، ۱ - ۱۳، ماده ۵ پیوست یک).

ماده ۴ - ۱۳ قرارداد مقرر می داشت که اقساط باید ظرف سی روز پس از موعد تأدیه آن پرداخت شود و به پرداخت هائی که بعد از سر رسید انجام شود بهره ای بانرخ ۶ درصد در سال تعلق گیرد.

در رابطه با پرداخت وجوه مربوط به هر سه مرحله، طبق ماده ۱۵ قرارداد، ده درصد از هر پرداخت می بایست به عنوان تضمین حسن انجام کار توسط مرکز پزشکی کسرونگهداری شود. در مورد مراحل اول و دوم، وجه الضمان دریافتی می بایست پس از تصویب گزارشهای مراحل یاد شده برگشت داده می شد. در مورد مرحله سوم، قرار بود نصف وجه الضمان پس از تصویب گزارش نهائی پیمانکار ساختمان و نصف دیگر پس از تحویل نهائی پروژه تکمیل شده مسترد شود.

پرداخت هرگونه مالیات و بیمه‌های اجتماعی که بموجب ماده ۱۴ به مهندس مشاور و کارکنانش تعلق می‌گرفت طبق ماده ۱۴ به عهده مهندس مشاور بود، جز در مواردی که پس از انعقاد قرارداد مالیات‌ها و عوارض جدیدی وضع گردد که در این صورت حق الزحمه مهندس مشاور بر اساس تغییرات مزبور جرح و تعدیل می‌شد. در مورد تعهد پرداخت این مالیات‌ها و بیمه‌های اجتماعی که باید طبق قوانین و مقررات از طریق کارفرما از مهندس مشاور وصول شود، قرار بود مرکز پزشکی، مبالغ مربوطه را از پرداخت‌های مهندس مشاور کسر و به مراجع مربوطه بپردازد.

ضمانت نامه‌های بانکی مربوط به پیش‌پرداخت‌های مرحله اول و مرحله دوم می‌بایست پس از تصویب گزارش‌های مربوط به آن مراحل آزاد شود. قرار بود ضمانت نامه بانکی پیش‌پرداخت مرحله سوم به تدریج که در درصد پیش‌پرداخت از پرداخت‌های ادواری مرحله سوم متوالیا " کسر می‌شد، آزاد گردد (ماده ۱۳).

ماده ۱۳ قرارداد مقرر می‌داشت که "هرگاه مهندس مشاور... مدت‌های مقرر برای مراحل اول و دوم را رعایت ننماید و بالنتیجه تمام یا قسمتی از کارهای مهندس مشاور بعهده تاخیر افتد، کارفرما حق الزحمه مربوطه را تقلیل خواهد داد". میزان تقلیل حق الزحمه برابر نسبت تاخیر به مدت تعیین شده برای انجام کار خواهد بود و از بیست درصد حق الزحمه تعیین شده برای مرحله مربوطه تجاوز نخواهد کرد. اگر دوره هر یک از مراحل سه‌گانه "بهردلیلی جز قصور مهندس مشاور" در مهلت‌های مقرر تجاوز کند، در پرداخت‌های مربوط جرح و تعدیلهای لازم صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۷ (الف) قرارداد مقرر می‌داشت که چنانچه مهندس مشاور نواقص و معایب کار خود را ظرف یکماه و نیم پس از اخطار کارفرما مبنی بر رفع معایب بر طرف نسازد، مرکز پزشکی می‌تواند با اخطار کتبی پانزده روزه قرارداد را ملغی نماید. در این صورت مرکز پزشکی نود درصد ارزش خدماتی را که در مرحله مربوط انجام گرفته پس از کسر خسارات وارده به کارفرما در اثر نقض قرارداد توسط مهندس مشاور، به او پرداخت خواهد کرد. در صورت چنین الفغائی، مهندس مشاور حق مطالبه ۱۰ درصد کسور حسن انجام کار یا هزینه‌های برگشت پرسنل و برجیدن و سایر (demobilization) را خواهد داشت.

طبق ماده ۱۷ (ب)، مرکز پزشکی همچنین حق داشت که قرارداد را با اخطار دو ماهه و بدون ذکر هیچگونه دلیلی، فسخ کند، که در این صورت می‌بایست حق الزحمه کلیه عملیات انجام شده تا تاریخ فسخ را به اضافه هزینه‌های متحمل مهندس مشاور جهت برگشت پرسنل و برچیدن وسایل، بپردازد.

علاوه بر این، طبق ماده ۲۲ قرارداد، "در موارد فورس ماژور که اجرای قرارداد دبرای طرفین غیرممکن می‌گردد، هریک از طرفین می‌تواند فسخ قرارداد را به طرف دیگر اعلام نماید ...".

بالاخره، ماده ۲۳ قرارداد حاوی قیدی به شرح زیر در مورد نحوه حل اختلاف بود:

"کلیه اختلافاتی که ممکن است بر اثر اجرای این قرارداد یا تعبیر و تفسیر مندرجات آن بین طرفین قرارداد درج دهد و نتوان آنها را بطور دوستانه از طریق مذاکره یا مکاتبه حل و فصل نمود، بدو "در کمیسیونی مرکب از بالاترین مقام دستگاه اجرائی (یا قائم مقام او) و مهندس مشاور طرف قرارداد مطرح و در صورتی که نتوانند بر مبنای قرارداد و قوانین و مقررات مربوطه اختلافات را حل کنند موضوع طبق قوانین ایران از طریق مراجعه به دادگاههای صالحه حل و فصل خواهد گردید".

خواهان ادعا می‌کنند که خدمات وی در مورد پروژه پیش از امضای قرارداد شروع شد، به تقاضای مرکز پزشکی، عملیات دابخش از پروژه، یعنی محوطه‌سازی و ساختمان سه‌بنای علوم پایه، با آهنگی بمراتب سریع‌تر نسبت به برنامه مقرر در قرارداد، پیشروی نمود. عملیات پیرامون موارد این دابخش از پروژه تا پایان مرحله دوم، طی نامه مورخ ۱۳ مارس ۱۹۷۷ (۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۵) مورد تصویب مرکز پزشکی قرار گرفت. پیرامون خدمات خود را برای مرحله اول در مورد تمام پروژ به پایان رساند و گزارش وی برای این مرحله طی نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۷ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) توسط مرکز پزشکی تصویب شد. قرار بود گزارش مرحله اول تا تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۷۷ (۳ فروردین ماه ۱۳۵۶) تکمیل شود. به این گزارش و نیز به برآورده‌های که در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۷ (۲۷ فروردین ماه ۱۳۵۶) برای مرکز پزشکی فرستاده شده، استناد شده است. پیرامون همچنین خدماتی را برای مرحله دوم پروژه انجام داد که در مورد کامل بودن آن، طرفین اختلاف دارند. پیرامون همچنین ادعا می‌کنند که برخی عملیات مربوط به مرحله سوم و نیز برخی کارهای خارج از برنامه را انجام داده است که در این مورد هم طرفین اختلاف دارند.

قراردادی بایک پیمانکار ساختمانی جهت محوطه‌سازی و ساختمان بناهای علوم پایه منعقد شد که برپایه خدمات مرحله سوم برای این بخش‌های پروژه انجام داد. کار محوطه‌سازی به پایتخت رسید و ساختمان انبیه علوم پایه در حال اجرا بود که مرکز پزشکی در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۹ دیماه ۱۳۵۷) اعلام کرد که پروژه "برای مدتی نامحدود متوقف گردیده است". کارکنان برپایه در ژانویه ۱۹۷۹ ایران را ترک گفته و برپایه کار دیگری در مورد پروژه انجام نداد. مرکز پزشکی نیز از آن بعد پروژه را ادامه نداد.

بخش سوم - اظهارات طرفین در مورد ادعاها

خواهان مدعی است که از تاریخ بوجود آمدن ادعاهایش تا کنون، طبق قوانین ایالات متحده موجود و دایر بوده و نیز تماما "متعلق به یک شرکت دیکرا ایالات متحده، موسوم به طراحان، معماران و مهندسی مشاور ویلیام ال. پریرا اوسویتیسی، است که اکثریت سهام آن، قانوناً "یا انتفاعاً" در طول مدت زمان مربوطه متعلق به شهروندان ایالات متحده بوده است. خواهان مضافاً مدعی است که جهت انجام کسب و کار در ایران در این کشور به شش رسیده بود. خواهان یادآور می‌گردد که در مورد این پروژه بزرگ، یعنی مجتمع مرکز پزشکی که شامل ۱۱ بنا است و هر یک از آنها نقشی بسیار تخصصی دارد، ۲۲ مجلد حاوی مشخصات بناها و ۲۳۵۰ صفحه نقشه تهیه کرده است که همه آنها را در اختیار دیوان قرار داده است.

خواهان معتقد است که مرکز پزشکی در سنج مورد وجوه مقرر طبق قرارداد را پرداخت نکرده است. اولاً، طبق ادعای خواهان، با وجود اینکه وی خدماتش را در مرحله اول کاملاً انجام داده و از هر نظر مورد تصویب مرکز پزشکی واقع شده بود، مرکز یاد شده رویه مقرر در قرارداد را رعایت تصویب گزارشها را نقض و به طوریکجا شبهه و به دلخواه خود، برآورد هزینه تهیه شده توسط پارتیا را تعدیل و حق الزحمه مرحله اول پارتیا را بر مبنای رقم تعدیل شده ۹۰۰۵۳،۹۹۵،۳۴۴ ریال محاسبه کرده است. خواهان اظهار می‌دارد که برآورد پارتیا، یعنی رقم ۱۱۰،۴۱۶،۲۴۲،۲۶۵ ریال را باید طبق شرایط قرارداد، تصویب نه تعلق و آن بر مبنای محاسبه حق الزحمه مرحله اول وی، محسوب کرد. خواهان اکنون بر اساس برآورد هزینه‌های مقدماتی توسط پارتیا، مدعی دریافت ۲۹۵،۶۲۹ دلار

امریکا است که به نژروی معادل دلاری مبلغ ۲۰,۸۴۱,۸۴۲ ریال طلب ادعائی وی پس از کسر مالیاتهای مکسوره است. خواهان، همچنین خواستار است که بهره این مبلغ از تاریخ اول نوامبر ۱۹۷۷ (۱۵ آبانماه ۱۳۵۶)، یعنی تاریخ آخرین پرداخت مرکز پزشکی به پیرا، به نرخ سالانه ۶ درصد که در قرارداد تصریح شده است، بوی پرداخت گردد.

ثانیا، خواهان مدعی است که وی با تسلیم نقشه ها و مشخصات مربوط به کلیه اجزاء پروژه در فواصل منظم، پیش از تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷)، و تسلیم گزارش نهائی در تاریخ یاد شده، تعهدات خود را برای مرحله دوم به طور کامل و بموقع انجام داده است. طبق ادعای خواهان، علی رغم این امر، سه فقره پرداخت اول مربوط به مرحله دوم با تاخیر انجام شده و مینمای محاسبه آن به غلط، برآورد تعدیلی مرکز پزشکی در مورد مرحله اول بوده است، پرداخت چهارم بطور کامل انجام نشده و پرداخت نهائی هرگز صورت نگرفته است. خواهان معتقد است که، در رابطه با کلیه قسمتهای پیش بینی شده پروژه، به استثنای اسنیه علوم یا به مرکز پزشکی و محوطه سازی، چهار قسط اول میبایست بر مبنای برآورد یا رتیا در مورد مرحله یک محاسبه و پرداخت نهائی میبایست بر مبنای برآورد نهائی "مورد قبول" مرکز پزشکی که معادل ۱۵ میلیارد ریال بوده است، باشد. بر این اساس، خواهان طالب مبلغ ۲,۰۷۸۰,۶۵۲ دلار امریکا است که به ادعای وی معادل دلاری صحیح مبلغ ۱۹۵,۶۱۸,۸۲۵ ریال طلب ادعائی پس از کسر مالیاتهای ایران، است. خواهان، همچنین، برای مدتتهائی که اقساط با تاخیر یا ناقص پرداخت شده یا پرداخت نشده اند، با محاسبه از تاریخهای مربوطه ای که به ادعای وی سر رسید و موعد پرداختهای مذکور بوده است، به شرح مقرر در قرارداد طالب بهره است.

ثالثا، خواهان معتقد است که عملیات مرحله دوم را در مورد محوطه سازی و اسنیه علوم، بنا به تقاضای مرکز پزشکی، با آهنگ سریعتری انجام داده و، اگر چه مرکز پزشکی کارها را تصویب کرده، با اینحال هیچگونه پرداختی صورت نداده است. علیهذا، طبق ادعای خواهان، بطور جداگانه برآورد هزینه ای در مورد مرحله دوم بابت تسریع عملیات تهیه گردیده و هزینه محوطه سازی و اسنیه علوم در برآورد های مربوط به مرحله دوم برای بقیه قسمتهای پروژه که خواهان ادعای قلی خود در مورد مرحله دوم را بر مبنای آن قرار داده، منعکس نگردیده است. خواهان ادعا می کند که طبق شرایط قرارداد، وی مبلغ ۲۶۲,۲۸۴ دلار امریکا، که به گفته وی معادل دلاری صحیح رقم

۱۲،۴۹۱،۰۵۱۲ ریال حق الزحمه ادعائی این عملیات منجای مالیاتهای مکسوره است، طلبکار است. خواهان همچنین، برای ۸۰ درصد این مبلغ، از تاریخ ۲ ژانویه ۱۹۷۷ (۱۲ دیماه ۱۳۵۵) یعنی تاریخ تسلیم اسناد مرحله دوم مربوط به این بخش از پروژه، و برای ۲۰ درصد بقیه، از تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۷۷ (۲۲ اسفندماه ۱۳۵۵) یعنی تاریخ تمویب کار توسط مرکز پزشکی، به نرخ مطرح در قرارداد، خواستاریست.

رایعاً، خواهان مدعی است که خدمات مرحله سوم را در رابطه با محوطه سازی و ابنیه علوم انجام داده تا اینکه پروژه بطور نا محدود، به حال تعلیق درآمده، و مرکز پزشکی حق الزحمه واحباً لاداً جهت بخشی از این عملیات را تا دیه نموده، اما آزاد کردن ۱۰ درصد وجه الضمان حسن انجام کار مکسوره از پرداختها خودداری کرده است. خواهان علاوه اظهار می دارد، که خدمات مرحله سوم را انجام داده اما حق الزحمه آنها را دریافت نکرده است، ولی با اینحال به علت فقدان صورتحسابهای بعدی از جانب پیمانکار ساختمانی که بتواند بر مبنای آنها محاسباتش را در مورد "هزینه واقعی" طرح انجام دهد، بابت این خدمات وجهی مطالبه نمی کند. معیناً، خواهان طالب مبلغ ۷،۱۲۱ دلار است که به ادعای وی معادل دلاری صحیح رقم ۵۰۰،۹۴۱ ریال مکسوره از پرداختهای قبلی به عنوان ۱۰ درصد وجه الضمان حسن انجام کار است و به گفته وی می بایست در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۲ آبانماه ۱۳۵۷) یعنی سی روز پس از تسلیم صورتحساب نهائی اش، آزاد می شد.

خامساً، خواهان اظهار می دارد که مرکز پزشکی خدمات "فوق العاده ای را درخواست کرد که جزو کارهای تعیین شده در قرارداد نبوده است، از جمله طرحهایی برای پارکینگ در نقطه ای غیر از محل پروژه، طراحی مجدد خوابگاه به علت تغییر محل و تجدید نظر در طرحهای تسطیح محل و سیستم زهکشی پروژه. خواهان مدعی است که هیچ یک از این کارها معلول هیچ عیب و نقص قبلی در کاروی نبوده؛ وی خدمات مورد لزوم را به طور کامل انجام داده، صورتحساب کلیه عملیات سه گانه را تسلیم نموده، و مرکز پزشکی حق الزحمه اضافی به شرح مقرر در قرارداد را در آن پرداخته است. خواهان، اکنون مبلغ ۷۲،۵۴۱ دلار امریکا مطالبه می کند که معادل کل مبلغ تسعیر شده صورتحسابهای مذکور، منتهی مالیاتهای مکسوره، علاوه بهره به نرخ قرارداد داری روز بعد از تاریخهای صورتحسابهای یاد شده می باشد.

خواهان، علاوه بر ادعای خود به موجب قرارداد، مدعی است بعضی از اموالش بدون پرداخت

خسارت، توسط ایران معادله شده است. "اولاً"، خواهان اظهار می‌دارد اموال موجود در دفاتر احاری و اتومبیلش توسط باسداران انقلاب معادله شده که به گفته خواهان، ایران مسئول این اعمال است. ثانیاً "خواهان ادعا می‌کند که مبلغ -/۲۰۲۲۰۲۸۱ ریال وجه نقد که در دو حساب بانکی در یکی از بانکهای ایران داشته، متعاقب ملی کردن بانکها و به موجب این واقعیت که وی، حساب‌دعا، نتوانسته است وجوهش را برداشت کند، معادله گردیده است. خواهان بابت خسارت معادله ادعایش این داراییها "کلاً" مبلغ -/۱۰۶،۳۰۱ دلار آمریکا مطالبه می‌کند که به گفته وی معادل دلاری صحیح کل ارزش اموال اداری به قیمت اصلی خرید و وجه نقد ریالی موجود در حسابها بیش است. خواهان بابت این مبلغ خواستار بهره نیست.

وبالآخره، خواهان بابت هزینه‌های داوری، مبلغ -/۱۹۸،۱۶۷ دلار آمریکا مطالبه می‌نماید.

خواننده با ایراد به ملاحظت خواهان در اقامه ادعا به دلیل آنکه خواهان تبعه ایالات متحده در مفهوم بند ۱ و ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی نیست، زیرا که طبق قوانین ایران در ایران به شت رسیده، در برابر هر دو ادعای خواهان به مدافعه پرداخته است. خواننده مضافاً، استدلال می‌کند که ادعای مربوط به قرارداد طبق آخرین قیادتشای ذیل بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی به موجب شرط حل اختلاف مندرج در قرارداد، از حیطه ملاحظت دیوان خارج است.

در مورد ماهیت ادعای مبتنی بر قرارداد، خواننده هرگونه مسئولیتی جهت پرداخت وجوه بیشتر را منکر شده، استدلال می‌کند که خواهان با متوقف ساختن کار و ترک ایژان بدون اعلام فسخ قرارداد بر اساس شرط فورس ماژور ماده ۲۲، از حق خود نسبت به این وجوه اعراض کرده است. خواننده همچنین مدعی است که کل پروژه بیجا و سمور دیوده، خواهان مسئول این واقعیت است و بهمین دلیل پرداخت خسارت به خواهان بابت دعاوی مبتنی بر این قرارداد منتفی است.

خواننده در پاسخ اجزاء مشخص دعاوی مبتنی بر قرارداد، منکر آنست که از شروط قرارداد تخطی کرده باشد، "اولاً"، خواننده مدعی است که بریرا کلسه وجوهی را

که بابت کار مرحله اول طلب داشته دریافت کرده و وجوه پرداخت شده به طور صحیح بر مبنای برآورد هزینه پروژه به میزان -/۹۰۵۳۰۹۹۵،۳۴۴ ریال محاسبه گردیده و مبلغ مزبور بنا به اظهار خواننده، طبق قرارداد به تصویب مرکز پزشکی رسیده است.

ثانیا، خواننده ادعا می کند که هیچگونه پرداخت دیگری بابت مرحله دوم بر عهده وی نیست چه گزارش مرحله دوم توسط مهندس مشاور طبق مفاد قرارداد "تسلیم" نشده چه رسد به اینکه به تصویب مرکز پزشکی رسیده باشد. خواننده مدعی است که عدم ارائه ترجمه فارسی اسناد مرحله دوم توسط پیرا و عدم تسلیم ادعائی برآوردنهای صحیح هزینه ها توسط پارتیا، در حکم اینست که مدارک مربوط به مرحله دوم ناقص تسلیم شده است. خواننده موضوع را به نحو دیگری هم مطرح ساخته، می گوید که گزارش مرحله دوم را نمی توان تا قبل از تاریخ تسلیم آخرین برآورد هزینه در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۷۹ (۶ اسفند ماه ۱۳۵۷) یا بهر حال زودتر از ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۸ (اول مرداد ماه ۱۳۵۷) که پیرا مجموعه کامل اسناد مرحله دوم را همراه با نقشه ها و مشخصات فقط به زبان انگلیسی ارائه نموده، تسلیم شده تلقی کرد. براین اساس خواننده مدعی است که پیرا یا زده ماه مهلت مقرر در قرارداد را رعایت نکرده است.

ثانیا، خواننده اظهار می دارد که هیچگونه حق الزحمه ای بابت کار مرحله دوم در زمینه محوطه سازی و ابنیه علوم پایه جدا از حق الزحمه مرحله دوم بابت تمام پروژه قابل پرداخت نیست. خواننده، مضافاً مدعی است هزینه های این کار به طور جداگانه برآورد نشده بلکه در برآورد های مرحله اول و دوم برای مابقی پروژه گنجانده شده بود.

رابعا، خواننده استدلال می کند که طلب پیرا را بابت کارهای که وی در مرحله سوم پروژه در مورد محوطه سازی و ابنیه علوم پایه انجام داده، به طور کامل پرداخت کرده است.

خامسا، خواننده منکر آنست که پیرا کاری "اضافه" بر آنچه که در قرارداد پیش بینی شده انجام داده است. وی مدعی است که طراحی تاسیسات پارکینگ در نقطه ای غیر از محل پروژه و عملیات تسطیح و زهکشی جزو وظایف پیرا در قسمت محوطه سازی محل بوده

و تغییر محل خوابگاهها مستلزم طراحی مجدد نبوده است. بنا براین، خواننده، معتقد است که وی طبق قرارداد ملزم به پرداخت حقالزحمه‌ای زائد بر حقالزحمه تعیین شده برای معمار نمی‌باشد.

در رابطه با ادعای سلب مالکیت، خواننده منکر آنست که خواهان توانسته باشد مصدوره اموال را اثبات، و اساس حقوقی ادعایش، را احراز نماید.

بخش چهارم - ادعاهای طرفین در رابطه با دعای متقابل

خواننده دو ادعای متقابل بر مبنای نقض ادعایی قرارداد توسط پریرا، قلم کرده است. اولاً، "خواننده مدعی است که خواهان مسئول خسارات وارده به علت تاخیر ادعایی در تسلیم گزارش و اسناد کامل مرحله دوم می‌باشد. خواننده ضمن سایر مطالب اظهار می‌دارد که چون اسناد مرحله دوم به زبان فارسی ترجمه نشده، بنا براین طبق مفاد قرارداد "تسلیم" نشده است. خواننده، به خاطر این تاخیر ادعایی، مدعی است که طبق ماده ۱۳ قرارداد معادل ۲۵ درصد وجوه دریافتی پریرا است مرحله دوم، یعنی مبلغ ۲۹,۵۱۳,۰۸۰ ریال، به عنوان جریمه تاخیر به وی تعلق می‌گیرد. علاوه، خواننده ادعا می‌کند که چون می‌توانسته قرارداد را طبق ماده ۱۷ (الف)، به دلیل عدم اجرای ادعایی توسط خواهان، فسخ کند، اکنون وی استحقاق دارد که هم ۱۰ درصد وجوه پرداختی مرحله دوم به پریرا را (یعنی وجوه مکسوره) که به ۱۴,۷۵۶,۵۴۰ ریال، بالغ می‌شود و هم خسارات تسبی آن را که به ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بالغ می‌گردد، دریافت نماید.

ثانیاً، "خواننده مدعی است که پریرا اعتبار ضمانت نامه بانکی صادره بابت تضمین پیش پرداخت مرحله دوم را حفظ نکرده و بدین ترتیب تعهدات قراردادی خود را نقض نموده است. خواننده ادعای نماید که مستحق دریافت کسب مبلغ ضمانت نامه بانکی، یعنی ۴۳,۰۰۶,۴۷۷ ریال، است

خواننده، همچنین، اظهار می‌دارد که پریرا بابت بدهی معوق مالیاتی و حق بیمه‌های

اجتماعی مدیون است. خواننده، در دفاعیه و ادعای متقابل اولیه خود، بابت مالیاتهای معوق ادعائی مبلغ ۱۱،۱۵۹،۳۴۲ ریال مطالبه نموده است. وزارت امور اقتصادی و دارائی ایران در لایحه مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۳ (۱۰ خرداد ماه ۱۳۶۲) و محددات " در اظهاریه مورخ ۱۲ مه ۱۹۸۳ (۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) خود این مبلغ را بـه ۱۶،۲۳۲،۵۷۰/- ریال با ضافه رقم غیر مشخصی بابت جرایم تاخیر افزایش داد. خواننده، بابت تعهدات ادعائی مربوط به بیمه های اجتماعی مبلغ ۹۹،۷۵۹/- ریال مطالبه می نماید.

خواننده همچنین هزینه های داوری خود را مطالبه می کند. سازمان برنامه و بودجه و وزارت علوم و آموزش عالی نیز خواستار هزینه های داوری خود هستند.

خواهان در برابر ادعای متقابل بابت تاخیر در انجام کار با این استدلال به دفاع پرداخته که تعهداتش را در مورد مرحله دوم اجرا کرده است. خواهان منکر آنست که گزارشی در مورد مرحله دوم به علت فقدان ترجمه های فارسی و نقشه و مشخصات ناقص بوده است. مضافاً، خواهان منکر مسئولیت تاخیر اجرا از جانب پارتیاست. خواهان همچنین، معتقد است که، بهر حال، جرایم تاخیر ذیل ماده ۱۷ شامل نقض ادعائی قرار داد نمی باشد.

در مورد ادعای متقابل مربوط به ضمانت نامه بانکی پیش پرداخت مرحله دوم، خواهان مدعی است که خدمات موضوع ضمانت نامه بانکی را بطور کامل اجرا کرده است و طبق اظهار وی ضمانت نامه مزبور، طبق شرایط خود قانوناً " منقضی شده است.

خواهان به صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مربوط به بدهی معوق مالیاتی و حق بیمه های اجتماعی معترض و همچنین، مدعی است که کلیه تعهدات خود در مورد مالیات و بیمه های اجتماعی را بنحو مقتضی ایفا نموده است.

بخش پنجم - صلاحیت رسیدگی به دعاوی

خواهان مدارکی تسلیم کرده است مبنی بر اینکه طی دوره مربوط، یک شرکت ایالات متحده بوده و می باشد و شرکتی است فرعی که تماماً " به ویلیام ال. پریرا،

اسوشی ایتس، پلانرز، آرکیتکتز، انجینیرز، که یک شرکت دیگر ایالات متحده است، تعلق دارد و اکثریت سهام شرکت اخیرالذکر به شهروندان ایالات متحده متعلق بوده و هست. از جمله مدارکی که توسط خواهان تسلیم گردیده، گواهی است که مقام مسئول روابط خارجی ایالت کالیفرنیا صادر کرده، دال بر اینکه خواهان و شرکت مادر وی به ترتیب در تاریخهای ۱۱ ژوئن ۱۹۷۶ (۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۵) و ۶ ژانویه ۱۹۵۹ (۱۶ دی ماه ۱۳۳۷) در ایالت مزبور تشکیل یافته و با اعتبار خود با قسی مانده اند. و نیز از جمله این مدارک شهادتنامه های یک موسسه حسابرسی مستقل است که نشان می دهد کلیه سهام خواهان به شرکت مادر وی تعلق داشته و اکثریت سهام شرکت مادر نیز با قانون "ویا انتفاعا" از طریق یک شرکت امانی کارمندان به دارندگان گذرنامه آمریکائی متعلق است. بنا براین، این ادعا بنا به تعریف ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ادعای یک تبعه ایالات متحده است. ثبت شرکت خواهان بعنوان یک شرکت خارجی فعال در ایران، بموجب بیانیه حل و فصل دعاوی اثری در تابعیت آن ندارد. در اینکه خواننده یک تشکیلات و واحد دولتی ایران و بنا براین مشمول صلاحیت دیوان است نیز تردیدی نیست.

طبق تصمیم دیوان عمومی در قرار اعدادی شماره ۶ - ۱ دیوان عمومی (گیزاند هیل، اینکورپوریتد) ماده ای که بموجب آن با پیدای اختلافات طرفین "طبق قوانین ایران در محاکم صالحه حل و فصل شود" مشخما "مقرر نمی دارد که هرگونه اختلاف بموجب قرارداد در صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران قرار دارد و بنا براین صلاحیت دیوان را در رسیدگی به ادعا بموجب قرارداد سلب نمی کند. علاوه براین ادعای سلب مالکیت بوضوح مشمول بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است.

از اینرو، دیوان در مورد دعاوی مطروح صلاحیت دارد.

بخش ششم - ماهیت ادعا

۱ - حقوق خواهان نسبت به حق الزحمه های پرداخت نشده

خواننده به این دلیل که بریرا اجرای قرارداد را متوقف ساخته و برخلاف

ماده ۲۲ قرارداد که مربوط به فورس ما ژوراست ، بدون اعلام فسخ قرارداد به مرکز پزشکی ایران ، این کشور را ترک کرده است ، خود را بهیچ روی ملزم به پرداخت مبالغ بیشتری به خواهان نمی داند . خواننده ادعا می کند که خواهان با چنین اقدامی ، از حق مطالبه مبالغ بیشتری اعراض کرده است .

این ادعا را نمی توان تائید کرد . حتی اگر پیرا بتصور این که شرایط قوه قهریه در ایران حاکم بوده اجرای تعهدات خود را یکجا نبه متوقف کرده باشد ، عدم اعلام فسخ قرارداد بموجب ماده ۲۲ بمنزله اعراض از حق مطالبه حق الزحمه کاری که طبق قرارداد انجام داده نمی تواند باشد . با این حال خواهان در این پرونده به فورس ما ژور استناد نمی کند .

علاوه بر این خواننده در موضع گیری خود این واقعیت را نادیده می گیرد که مرکز پزشکی ایران در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۹ دی ماه ۱۳۵۷) در رابطه با ساختمانهای علوم پایه مراحتا " اعلام داشته که پروژه تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآمده است ، با توجه به این اعلام مرکز پزشکی ، پیرا تا دستور بعدی مرکز مذکور هیچ تعهدی برای ادامه اجرای قرارداد نداشته است . ادله و مدارک این نکته را ثابت می کنند که در سراسر سال ۱۹۷۸ ، وبخشی از سال ۱۹۷۹ پیرا برای دریافت دستور اجرای قرارداد تقاضاهای مکرری بعمل آورده و همواره برای از سر گرفتن کار خود آماده بوده است ، واضح است که پیرا قرارداد را فسخ شده تلقی نکرده و اقدامات وی بمنظور رعایت مراتب اعلام شده توسط مرکز پزشکی صورت گرفته است . هیچ واقعه ای روی نداده که به نحوی برای حق پیرا اثرگذار دکه در قبال کارهایی که طبق قرارداد انجام داده باید حق الزحمه ای دریافت کند .

خواننده همچنین ادعا می کند که چون پروژه با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ایران اساسا " نامناسب بوده ، مسئول پرداخت مبالغ بیشتری به پیرا نمی باشد . حتی اگر ادعای نامناسب بودن پروژه درست

باشد، ادعائی که دیوان در باب آن اظهار نظر نمی‌کند، این امر بر مسئولیتی که خواننده بموجب قرارداد بر عهده دارد، بی‌اثر است. خواننده، خود تصمیم گرفت که پروژه را اجرا کند و قرارداد را منعقد نماید مسئولیت اتخاذ اینگونه تصمیمات را (تصمیم مربوط به اجرای پروژه) نمی‌توان بردوش خواهان نهاد. از اینرو دیوان این ادعا را مردود می‌شناسد.

باید یادآور شد که مدارک تسلیمی به دیوان در باب موضوعات مطروح نکات مهمی را باقی می‌گذارند. با اینحال بر اساس ادله و مدارک ارائه شده می‌توان برخی واقعیات و فرضیات را بازسازی کرد.

۲ - ادعای مربوط به مرحله یک

ماده پنج قرارداد مرکز پزشکی ایران را ملزم ساخته است که "نظر خود را در مورد عدم انطباق کارهای انجام شده بوسیله مهندس مشاور با وظایف مندرج در قرارداد با ذکر موارد اختلاف نظر فی‌کماه پس از تاریخ دریافت گزارش و مدارک کامل هر مرحله اعلام دارد" و بدینوسیله به مهندس مشاور فرصت دهد که گزارش و مدارک مربوط را بر اساس نظرات مرکز پزشکی "اصلاح و تهیه نماید".

همچنین متذکر می‌گردد که بموجب ماده ۲-۲ قرارداد، مرکز پزشکی ایران "حق خواهد داشت در هر موقع تا حدود معقول و متناسبی خدمات مورد احتیاج را تغییر داده و بعضی خدمات را حذف یا اضافه نماید". در اینصورت مدت قرارداد، و حق الزحمه مهندس مشاور نیز "به تناسب و با توجه به کار، هزینه و تعهدات انجام شده به ترتیبی که مورد توافق طرفین قرار گیرد، کسریا اضافه خواهد شد".

مرکز پزشکی ایران ضمن نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۷ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) خود، خدمات مرحله اول را رسماً "تصویب نمود و برآورد هزینه را از ۱۱۰۴۱۶،۲۴۲،۲۶۵ ریال به ۹،۰۵۳،۹۹۵،۳۴۴ ریال کاهش داد. این پرسش

مطرح می‌گردد که آیا ماده پنج قرارداد دچنین تعدیلی را توسط مرکز پزشکی ایران بدون آنکه مرکز مزبور در باب عدم انطباق برآورد هزینه‌ارائه شده با تعهداتی که بموجب قرارداد دبرعهده خواهان بوده، مشخصاً "اظهارنظر نماید، منع نمی‌کند؟

نظردیوان اینست که چون میان طرفین توافق مصرح در بند ۲ - ۳ قرارداد وجود ندارد، دیوان از این اختیار برخوردار است که درباره این مسئله تصمیم گیرد که ارتغام تعدیلی تا چه میزان، مبنای صحیحی برای محاسبه حق الزحمه مرحله اول واجب الادا به پیریراست.

دیوان همچنین یادآور می‌گردد که مرکز پزشکی ایران در نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۷ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) خود به "نظرات فنی قبلا" اعلام شده‌ای اشاره کرده است. این نامه نشان می‌دهد که مبالغ کمتری که مرکز پزشکی در نامه مزبور بدست داده است، بازتاب مباحثاتی است که قبلا" میان مرکز پزشکی و مهندس مشاور در باب محدودیتهای اقتصادی ادامه اجرایی قسمت‌های زیروژه صورت گرفته بود. می‌توان فرض کرد که پیریراز نظر مرکز پزشکی درباره این ارقام آگاهی داشت. از اینرو دیوان می‌پذیرد که برآورد هزینه‌ای که به مرکز پزشکی تسلیم شده باید طبق جرح و تعدیل این مرکز کاهش یافته و مجموعاً " به ۷۷۹،۶۵۶،۵۹۶ ریال بالغ گردد.

مرکز پزشکی در نظراتی که در باب برآورد هزینه مرحله اول اعلام داشته تمامی یک قلم یعنی "تجهیزات" را که مبلغ آن ۱،۵۸۳،۵۹۰،۳۰۵ ریال بوده، حذف کرده است. در نامه آمده است که هزینه تجهیزات، گروههای ۲ و ۳، و هزینه‌های تاسیسات و تجهیزات برآورد نشده اضافی "از برآورد هزینه تسلیمی توسط پارتیا حذف گردیده است و این بمعنای کاهش بیشتر مبلغی است که هم‌اکنون ذکر آن رفت. در یک گزارش پیشرفت کار که به تشریح ملاقاتی پرداخته که طرفین در ۲۳ مه ۱۹۷۷ (۲ خرداد ۱۳۵۶) با یکدیگر داشته‌اند

و نیز صورتجلسه این ملاقات نشان می‌دهد که پیرا به حذف این مبالغ توسط مرکز پزشکی اعتراض کرده و اظهار داشته است که با اینکه مرکز پزشکی می‌تواند بموجب قرارداد حدود وظایف مهندس مشاور را تغییر دهد، اما نمی‌تواند از پرداخت حق الزحمه کاری که قبلاً طبق برنامه اولیه انجام شده به نحو مقرر در قرارداد شانه خالی کند.

نص قرارداد، موضعی را که پیرا در این جلسه اتخاذ کرده، تأیید می‌کند. چنانکه از عنوان قرارداد برمی‌آید این قرارداد "برای مطالعات و خدمات نظارت کارهای معماری و تاسیسات و تجهیزات مرکز پزشکی شاهنشاهی ایران" منعقد شده است. (تاکید از ما است). ماده ۱۲ قرارداد هزینه کار انجام شده توسط کلیه پیمانکارانی که مسلماً شامل فروشندگان و نصب‌کنندگان تجهیزات نیز می‌گردد و حتی هزینه "مصالح و کالاهای ساخته شده، ماشین آلات و هر نوع مواد و مصالح دیگری که مرکز پزشکی ایران مستقیماً تأمین کرده باشد، را در تعریف "هزینه واقعی کارها" گنجانده است. نکته مهم اینکه هزینه تجهیزات و تاسیسات در میان اقلامی که مشخصاً توسط ماده ۱۲ از تعریف "هزینه‌های واقعی" حذف شده‌اند، دیده نمی‌شود. قرار بود که برآوردها با کارهای مصرح در قرارداد مرتبط باشند. علاوه بر این بموجب پیوست یک قرارداد مسئولیت نقشه تجهیزات و خدمات قبلی انجام شده توسط پیمانکار دیگری که تحلیلی مقدماتی از کلیه نیازهای تجهیزاتی بعمل آورده بود، برعهده پیرا و پارتیا نهاده شد. بالاخره، طرفین در پیوست شماره ۲ قرارداد مشخصاً توافق کردند که برآورد نهایی هزینه مرحله دوم که قرار بود نسبت به برآورد مرحله اول دقیق‌تر باشد، باید برابر کل هزینه‌های مصالح و/یا تجهیزات، عوارض گمرکی، عوارض و مالیاتهای ذیربط، هزینه نصب، و سایر هزینه‌ها و سود عادلانه پیمانکار برای هر قلم هزینه باشد". (تاکید از ما است).

بدینسان تعیین مشخصات تجهیزات مرکز پزشکی و نصب آن بموجب قرارداد از جمله وظایفی بود که مهندس مشاور در ارتباط با پروژه مورد بحث بعهده داشت. این واقعیت که حدود دو سال پس از اجرای قرارداد و یکسال پس از تسلیم مدارک مرحله اول و از آنجمله برآورد هزینه مقدماتی، مرکز پزشکی با شرکت طراحی تاسیسات پزشکی دیگری بمنظور تهیه مشخصات برخی از انواع تجهیزاتی که باید نصب شوند، قرارداد دیگری منعقد کرده است، برخلاف ادعای خواننده ماهیت وظایف اصلی مهندس مشاور و اعتبار برآورد هزینه مقدماتی را که پارتیا تهیه و تسلیم کرده است، تغییر نمی‌دهد.

خواننده همچنین اظهار داشته است که اعم از اینکه حذف یکجانبه بخشهایی از برآورد هزینه در انطباق با مفاد قرارداد باشد یا نه، پریرا بعداً "بارقم مرکز پزشکی موافقت کرده و بدینسان از حق هرگونه اعتراض به حذف بخشهایی از برآورد هزینه، اعراض کرده است. اما ادله و مدارک نشان می‌دهند که پریرا هیچگاه موضع مرکز پزشکی را نپذیرفته است. پریرا در صورت حساب نهایی مرحله اول مبالغ واجبالادا را هم براساس برآورد پارتیا و هم بر مبنای رقم مرکز پزشکی محاسبه کرده و یادآور شده است که موضع خود را برای تصفیه بعدی حسابها حفظ می‌کند. این نحوه عمل را می‌توان با توجه به صورتجلسه ملاقات مورخ ۲۳ مه ۱۹۷۷ (۲ خرداد ماه ۱۳۵۶) توضیح داد. در این ملاقات مسئولان مرکز پزشکی و از جمله مدیر پروژه برای مدیران پریرا تشریح کردند که حذف بخشهایی از برآورد پارتیا به این دلیل صورت گرفته که مرکز پزشکی "می‌خواهد تا پایان خدمات مهندس مشاور پرداخت را معوق بگذارد" و "در مرحله دوم بابت کارهای انجام شده در مرحله اول در میزان پرداختها جرح و تعدیلهایی صورت خواهد گرفت". براساس همین وعده پرداخت کامل بود که در صورت حساب نهایی مرحله اول پریرا، از پرداختهای مبتنی

بررقم مرکز پزشکی بعنوان "پرداخت بخشی از مبالغ" یاد شده و تقاضا گردیده است که براساس برآوردهزینه پارتیا، "هرچه زودتر" مبالغ واجب الادا پرداخت گردد.

چنانکه قبلاً خاطر نشان گردید، دلیل ومدرکی در دست نیست که نشان دهد پریرا با حذف قلم "تجهیزات" که پریرا در رابطه با آن قبلاً خدماتی انجام داده بود، موافقت کرده است.

دیوان نتیجه می‌گیرد که خواننده حق حذف قلم "تجهیزات" را نداشته است. از اینرو حق الزحمه‌های مرحله اول باید براساس مبلغ کل ۱۰,۶۳۶,۵۸۵,۶۴۹ ریال محاسبه گردد. بدینسان خواهان تا پایان مرحله دوم، استحقاق دریافت مبلغ ۱۴,۲۷۲,۹۵۲ ریال که تفاوت ۹۵٪ درصد مبلغ ۱۰,۶۳۶,۵۸۵,۶۴۹ ریال و مبالغ پرداختی بابت مرحله اول منهای ۵/۵ درصد کمی بایستی بموجب قرارداد بابت مالیات کسب شده باشد را دارد. نپرداختن این مبلغ توسط خواننده، نه تنها پریرا را از جوه مزبور محروم ساخت بلکه فرصت تبدیل این جوه به ارز را نیز از شرکت مزبور سلب کرد. با توجه به این واقعیت که خواهان یک شرکت غیر ایرانی بوده و در نیو دهیج نشانه‌ای مبنی بر اینکه جوه مزبور قرار رسیده در ایران به مصرف برسد یا قرار نبوده با پول ایالات متحده تعویض گردد، تصمیم دیوان اینست که مبلغ واجب الادا باید به نرخ متداول در تاریخ سررسید یا حدود آن به دلار آمریکا تبدیل و از محل حساب تضمینی پرداخت گردد. بنابراین خواهان بموجب این بخش از ادعا استحقاق آن را دارد که ۱۹۶,۳۴۷ دلار آمریکا بعنوان اصل مبلغ واجب الادا بابت مرحله اول و قابل پرداخت در پایان مرحله دوم، دریافت کند. (۱)

(۱) ادعا شده است که تاخیرنا موجهی در رابطه با مرحله اول روی داده است.

۲ - دعاوی مرتبط با مرحله دوم

ظاهرا " به دستور مرکز پزشکی ایران ، مهندس مشاور کارساختما نه‌ای علوم پایه مرکز پزشکی را با شتاب بیشتری انجام داد . در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۷۷ (۱۲ دی ۱۳۵۵) مهندس مشاور گزارش ، نقشه‌ها ، مشخصات و برآورد هزینه مرحله دوم ساختما نه‌ای علوم پایه را به مرکز پزشکی ایران تسلیم کرد و بدین ترتیب مرحله دوم این بخش از پروژه را پیش از اتمام کار مرحله اول بخشهای باقیمانده ، تکمیل نمود . گزارش مرحله دوم ساختما نه‌ای علوم پایه طی نامه مورخ ۱۳ مارس ۱۹۷۷ (۲۲ اسفندماه ۱۳۵۵) مرکز پزشکی رسماً " توسط مرکز مزبور تصویب شد . در ۱۳ آوریل ۱۹۷۷ (۲۴ فروردین ماه ۱۳۵۶) پیرا صورتحسابی بابت این کار بر مبنای رقم ۸۲۳،۸۸۲،۴۴۲ ریال برآورد نهائی هزینه تصویب شده ، تسلیم نمود . طی جلسه‌ای که طرفین در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۷ (۳۰ خردادماه ۱۳۵۶) برگزار کردند ، مرکز پزشکی اظهار داشت که تا تصویب بودجه مرکز توسط سازمان برنام‌ه و بودجه ایران ، نمی‌تواند صورتحساب را پرداخت کند . صورتحساب همچنان بلاپرداخت مانده است .

مرکز پزشکی طی نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۷ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) خود ، ضمن تصویب کار مرحله اول برای تمامی پروژه ، از مهندس مشاورخواست که " کارتهیه برنام‌ه زمانی عملیات و خدمات مهندسی را برای مرحله دوم آغاز کند " . بنا براین ، برنام‌ه مرحله دوم نمی‌توانسته است بلافاصله پس از مرحله اول شروع شده باشد . فی‌الواقع ، از صورتجلسه این نتیجه‌گیری به دست می‌آید که پیرا " شروع مدت یازده (۱۱) ماهه مرحله دوم از هنگام تسلیم گزارش و اسناد مرحله یک را ، قبول " نکرده است . بنا به اظهار خواننده ، در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۷ (۷ آبانماه ۱۳۵۶) ، وی با اظهارخواهان در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۷۷ (۱۶ آبانماه ۱۳۵۶) ، مرکز پزشکی پیش‌پرداختی بابت مرحله دوم به میزان ۴۳،۰۰۶،۴۷۷ ریال صورت داد . از تاریخ ۵ نوامبر

۱۹۷۷ (۱۴ آبان ماه ۱۳۵۶) تا پایان مارس ۱۹۷۸ (۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۷) پیرا نقشه‌ها و مشخصات مرحله دو را برای بخشهای مختلف باقیمانده پروژه، به تدریج که تکمیل می‌شدند، ارائه نمود.

در ۷ دسامبر ۱۹۷۷ (۱۶ آذر ماه ۱۳۵۶) و ۵ مارس ۱۹۷۸ (۱۵ اسفند ماه ۱۳۵۶) طبق اظهارخوانده، وی ۸ ژانویه و ۱۵ مارس ۱۹۷۸ (۱۸ دی ماه و ۲۴ اسفند ماه ۱۳۵۶) طبق اظهارخواهان، مرکز پزشکی پرداختهای دوم و سوم مرحله دو را، هر یک به میزان ۳۶،۳۴۰،۴۷۴ ریال، انجام داد. پیرا در نامه مورخ ۱۹ مارس ۱۹۷۸ (۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۶) خود به مرکز پزشکی اعلام کرد که کلیه اسناد مرحله دو را "بر طبق برنامه زمانی پیشرفت کار که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۷ به شما تسلیم شده"، و یکماه پیش از تاریخ خاتمه کار مقرر در قراردادمان تکمیل کرده است. در نامه، همچنین از مرکز پزشکی خواسته شده بود که "بخشی از قسط چهارم مرحله دورا، در قبال ضمانت - نامه بانکی به میزان ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال، از پیش بردارد". پیرا آخرین نقشه‌ها و مشخصات مرحله دورا در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۷۸ (۸ فروردین ماه ۱۳۵۷) تحویل داد.

به نظر می‌آید که در حدود همین تاریخ، به تقاضای مرکز پزشکی، پیرا نقشه‌ها و مشخصات مرحله دوم را برای تعدادی پیمانکارین المللی منتخب ارسال و از آنها خواست که پیشنهادهای برای ساختمان پروژه ارائه نمایند. همچنین، در طول ماههای مارس و آوریل ۱۹۷۸، پیرا و مرکز پزشکی مذاکرات متعددی برای انجام تغییرات ضروری در نقشه‌ها، به عمل آوردند.

در ۳ آوریل ۱۹۷۸ (۱۴ فروردین ماه ۱۳۵۷) پیرا ترتیب صدور ضمانت نامه

بانکی مذکور در نامه مورخ ۱۹ مارس (۲۸ اسفند) خود را داده، و مرکز پزشکی در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۸ (۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۶) بنا به اظهار خوانده و بنا بر ۱۸ آوریل ۱۹۷۸ (۲۹ فروردین ماه ۱۳۵۷) بنا به اظهار خواهان، مبلغ /- ۲۵,۳۵۰,۰۰۰ ریال به عنوان بخشی از قسط چهارم، پرداخت.

پیرا گزارش مرحله دوم را در ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) ارائه کرد. در نقشه‌ها تجدیدنظرهای دیگری به عمل آمد، و در ۱۳ مه ۱۹۷۸ (۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷)، پیرا در نامه‌ای به مرکز پزشکی اعلام کرد که بررسی و معاینه نقشه‌ها را به پایانی رسانده و نظرات مرکز پزشکی را اعمال نموده و در نتیجه تغییراتی در نقشه‌ها صورت گرفته است. بنا به اظهار پیرا، کار نمی‌توانست به این مرحله بیانجامد، مگر آنکه اسناد مرحله دوم در وضع رضایت بخشی می‌بودند.

در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۷) طرفین جلسه‌ای برگزار کردند تا پیشنهادهای رسیده از پیمانکاران بین‌المللی را گشوده و بررسی کنند. از مهندس مشاور خواسته شد که در تهیه پیش‌نویس یک قرارداد ساختمانی پیشنهادی، بررسی پیشنهادهای رسیده و عودت آنها همراه با توصیه‌های لازم ظرف یک ماه، با وکیل مرکز پزشکی ایران همکاری نماید. مرکز پزشکی اعلام کرد که با قصد آغاز عملیات ساختمانی در سپتامبر ۱۹۷۸، با پیمانکاری که بیش از همه واجد شرایط باشد، وارد مذاکره خواهد شد. طبق اظهار پیرا،

کار نمی‌توانست به این مرحله بیاورد ، مگر آنکه اسناد مرحله دوم ،
وضعیت رضایت بخش و پیشرفته‌ای می‌داشتند .

در جلسه ۱۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۷) پیرا برآوردنهایی خود را
از هزینه پروژه که بالغ بر ۱۴،۵۱۲،۰۱۳،۲۶۸ ریال می‌شد، ارائه نمود .
این برآورد ، ابینه علوم پایه و محوطه سازی را در بر نمی‌گرفت . (۲) گرچه
این موضوع در هیچ یک از اسناد تسلیم شده به دیوان منعکس نیست ، با اینحال
چنین بنظر می‌آید که اندکی پس از تسلیم برآورد ، مرکز پزشکی از پارتیا
خواسته است تا برآوردنهایی هزینه را طبق موازین سازمان برنامه و بودجه
برای سال ۱۳۵۷ ، مورد تجدید نظر قرار دهد .

در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۰ تیر ماه ۱۳۵۷) ، مرکز پزشکی ایران در
نامه‌ای به مهندس مشاور اظهار داشت که "فقط پس از دریافت اسناد کامل
ونقشه‌های اجرایی مربوط به مرحله دوم پروژه" درباره مرحله دو اظهار نظر
خواهد کرد . در ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۹ تیر ماه ۱۳۵۷) طرفین جلسه‌ای تشکیل
دادند تا کار مرحله دو را بررسی کنند . در صورت جلسه این نشست قید شده
که طرفین موافقت کردند که "کلبه مدارک برآورد بودجه ارائه
گردیده است" ، لیکن مرکز پزشکی بر این عقیده نیست که اسناد "رسمی"
تسلیم شده است . متعاقب جلسه ، مرکز پزشکی نامه دیگری در تاریخ ۱۶
ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۵ تیر ماه ۱۳۵۷) ارسال و ضمن تجدید موضع قبلی خود اعلام داشت که
"مهندسین مشاور ، تا به حال نقشه‌های اجرایی نهایی و کتابچه برآورد کامل
هزینه‌های مربوط به مرکز پزشکی ایران را تسلیم نکرده‌اند" .

(۲) جای تعجب است که هزینه‌های محوطه سازی ، حتی با وجود اینکه نقشه‌های
محوطه سازی مرحله دو ظاهراً "باشتابیشتری تهیه و تمویب شده بودند ، نه در برآورد
مرحله دوم برای ابینه علوم پایه و نه در برآورد مرحله دوم برای مابقی پروژه
منظور نشده ، و هیچگونه توضیحی هم درباره این امر غیرعادی داده نشده است .

طرفین جلسه دیگری در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۶ تیرماه ۱۳۵۷) برگزار کردند، که ضمن آن در مورد اینکه آیا ارائه "رسمی" اسناد مرحله دو ضروری است یا نه، مواجه با اختلاف نظر شدند. در صورت جلسه این نشست قید شده که "تصمیم گرفته شد که پیرا مجموعه نهائی نقشه ها و نسخه های از گزارش مرحله دورا، بلافاصله ارائه نماید".

در ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۷) پیرا توصیه های خود را در مورد مناسبترین پیمانکار بین المللی برای پروژه، بر مبنای پیشنهادات مفتوحه در ۱۸ ژوئن (۲۸ خردادماه) تسلیم نمود. پیرا، همچنین در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۸ (اول مردادماه ۱۳۵۷) آنچه را که به عنوان "مجموعه کامل اسناد مرحله دو" توصیف شد، به مرکز پزشکی ارسال کرد. در ۱۹ اوت ۱۹۷۸ (۲۸ مردادماه ۱۳۵۷)، مرکز پزشکی طی نامه ای به پیرا با ذکر این نکته که "ویلیام ال. پیرای ایران، کلیه تعهدات خود را نسبت به پروژه مرکز پزشکی ایران ایفا کرده" است، لغو ضمانت نامه بانکی مورخ ۳ آوریل (۱۴ فروردین) را اجازه داد.

در ۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۲ شهریورماه ۱۳۵۷)، پیرا متن تجدیدنظر شده برآورد نهائی هزینه توسط پارتیارا، همراه با صورت حساب مویسد مقادیر کتابچه هزینه ها، که همگی مطابق موازین سازمان برنامه و بودجه برای سال ۱۹۵۷ محاسبه گردیده بود، ارائه کرد. برآورد تجدید نظر شده بالغ بر ۱۷،۲۴۲،۳۰۵،۷۲۲ ریال می شد که به عنوان "کل قیمت تمامی پروژه" توصیف شده بود. پیرا در نامه ضمیمه برآورد اعلام کرده بود که "خدمات صد درصد اجرا شده و از مرکز پزشکی" تصویب مرحله دورا طبق قرارداد فیما بین" درخواست می کرد.

در پاسخ، مرکز پزشکی در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۸ شهریورماه ۱۳۵۷) کتبا از مهندس مشا وخواست که ترجمه انگلیسی "لیست قیمتها و مقادیر" و ترجمه

فارسی "نقشه‌ها و مشخصات فنی" را ارائه نماید. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳ مهرماه ۱۳۵۷) همچنین، مرکز پزشکی طی نامه‌ای، تسلیم "اسناد مناقصه به انگلیسی و فارسی" را درخواست نمود. در ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۵ مهرماه ۱۳۵۷)، مرکز پزشکی دونا مه به مهندس مشا ورنوشت که در یکی تقاضای مندرج در نامه مورخ ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) را تجدید نموده و در دیگری، در پاسخ به برآورد بودجه پارتیا اعلام داشته بود که حداکثر بودجه پروژه ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است.

پیرا، در جواب تقاضای مرکز پزشکی برای ترجمه فارسی اسناد مرحله دو، در نامه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۲ آبانماه ۱۳۵۷) خود اظهار داشت که الزام ماده ۳ - ۳ قرارداد در مورد زبان، توسط مرکز پزشکی طی دستوری که در جلسه مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ (۹ تیرماه ۱۳۵۷) صادر کرده تغییر داده شده و اینک اسناد مرحله دوم، مثل همه اسناد تسلیمی قبلی، مطابق با این تغییر بوده است. در روز بعد، پیرا، طی نامه مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۴ آبانماه ۱۳۵۷)، مجدداً "منکر آن شد که ملزم به ارائه ترجمه فارسی اسناد مرحله دوم است، لیکن با اینحال، موافقت کرد که چنانچه مرکز پزشکی بلافاصله، هم جزء تادیه نشده پرداخت چهارم مرحله دو را پرداخته و هم پرداخت نهائی مرحله دو را انجام دهد به قید ضمانت نامه‌های موجود در مورد حسن انجام کار، به عنوان وثیقه، ترجمه‌ها را ارائه نماید. پیرا خاطر نشان ساخت، "اکنون هفت ماه از تحویل کار ما به دفتر شما می‌گذرد و اینک اولین اظهار نظر شما را جمع به ترجمه‌ها در ۲۵ اوت ۱۹۷۸ (سوم شهریور ۱۳۵۷) به دست من رسیده". پیرا، در نامه مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آذر ۱۳۵۷) به مرکز پزشکی اعلام کرد که ترجمه اسناد مرحله دوم در دست تهیه است و "ظرف مدت زمانی که قبلاً" مورد مذاکره واقع شده تکمیل خواهد شد". در نامه، همچنین خواسته شده بود که در تادیه مانده پرداخت چهارم تسریع بعمل آید.

در ۲۵ دسامبر ۱۹۷۸ (۴ دیماه ۱۳۵۷)، مرکز پزشکی طی نامه‌ای اعلام کرد که مرکز می‌تواند پروژه را در محدوده بودجه تعیین شده بپذیرد و به مهندس مشاور واگذار کرد که در محدوده بودجه، "بهترین پروژه" ممکن را تهیه کند.

سرانجام، در ۲۵ فوریه ۱۹۷۹ (۶ اسفندماه ۱۳۵۷) پارتیا برآورد نهائی هزینه تجدیدنظر شده‌ای را تسلیم داشت که با اصلاحات ارائه شده در ۵ مارس ۱۹۷۹ (۱۵ اسفندماه ۱۳۵۷) به ۱۴،۹۸۸،۹۰۲،۱۸۳ ریال بالغ می‌شد.

اولین سؤال در رابطه با این سلسله رویدادها اینست که آیا خواهان بابت مرحله دوم مستحق دریافت پرداخت جداگانه‌ای برای کار در مورد ابنیه علوم پایه هست یا خیر؟

اختلافی در این نیست که پرتیا کار مرحله دوم در مورد ابنیه علوم پایه را به تقاضای مرکز پزشکی با شتاب بیشتری انجام داده، و با صورت حسابی را که بر اساس ۸۲۳،۸۸۴،۴۴۲ ریال برآورد نهائی هزینه مصوب مرکز پزشکی در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۷۷ (۲۲ اسفندماه ۱۳۵۵) صادر کرد، صحیح بوده است.

ماده ۳ ضمیمه یک قرارداد مقرر می‌دارد که چنانچه، آنطور که منظور نظر مرکز پزشکی ایران است، در کار برخی از قسمت‌های پروژه تسریع شود، "حق الزحمه‌های معقولی... متناسباً" بابت کارهایی که قبل از موعدهای مقرر در این قرارداد اجرامی‌گردد، پرداخت خواهد گردید". بنابراین، طبق شرایط قرارداد، خواهان مستحق دریافت مبلغ جداگانه‌ای به میزان ۲۶۲،۲۸۴ دلار بابت کار مرحله دوم وی در مورد ابنیه علوم پایه می‌باشد، که این مبلغ معادل دلاری صحیح ۲/۳۷۵ درصد مبلغ ۸۲۳،۸۸۲،۴۴۲ ریال، منهای مالیات‌های مکسوره است که در ۱۲ آوریل ۱۹۷۷ (۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۶)،

یعنی سی روز پس از تصویب کار، قابل پرداخت و واجب الادا بوده است .
در رابطه با مابقی ادعاهای مرحله دوم، خواننده اظهار می دارد که با تادیه
چهار فقره پرداخت مرحله دوم به شرح مذکور در فوق، وی عملاً "پیش از آنچه
خواهان مدعی است دریافت کرده، پرداخت نموده است. خواهان، بدواً"
ادعا کرده بود که بابت مرحله دوم، فقط معادل مبلغ ۲,۰۹۰,۵۶۱ دلار
آمریکا به وی پرداخت شده، لیکن در اظهاریه های بعدی اش این رقم را
به ۱۴۱,۰۳۷,۴۲۵ ریال تصحیح کرد. خواننده محاسبه ای در مورد
پرداختهای مرحله دوم ارائه نموده که حساب ادعا نشان می دهد که در واقع،
مبلغ ۱۵۹,۰۱۹,۴۳۱ ریال، یعنی ۲,۲۵۵,۵۹۴/۷۷ دلار آمریکا پرداخت
شده است. مع هذا، این مبلغ در محاسبه مزبور به عنوان جمع ناخالص
پرداختهای مرحله دوم قبل از کسر ۵/۵ درصد مالیاتهای متعلقه و ۱۰ درصد
کسر شده بابت سپرده حسن انجام کار مشخص شده است. محاسبه فی الواقع
نشان می دهد که خالص مبالغ پرداخت شده ۱۴۱,۰۳۷,۴۲۵ ریال بوده است.
بدینسان، مدرک خواهان ادعای اصلاح شده خواهان را تأیید می کند.

خواهان اظهار می دارد که مرحله دوم وقتی شروع شد که وی کارش را برای مرحله
دوم آغاز کرد که به گفته وی تاریخ مزبور ۳۰ مه ۱۹۷۷ (۹ خرداد ماه ۱۳۵۶)
بوده است. وی همچنین اظهار می دارد که سه فقره پرداخت نخستین، به
ترتیب در تاریخهای ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ (۹ تیر ماه ۱۳۵۶)، ۳۰ اکتبر ۱۹۷۷ (۸
آبان ماه ۱۳۵۶) و ۱۴ فوریه ۱۹۷۸ (۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۶)، قابل پرداخت و
واجب الادا بوده و بنا بر این مرکز پزشکی ایران این پرداختها را دیرتر
از موعد صورت داده است. خواهان، بر اساس این اظهارات، خواستار
بهره از هریک از تاریخهای مذکور است. خواننده منکر آنست که پرداختها را
دیرتر از مواعدهای مقرر در قرارداد انجام داده است.

مدارک موجود نزد دیوان برای اثبات اینکه هریک از سه فقره پرداخت

نخستین مرحله دوم دیرتر از موعد صورت گرفته، کافی نیست. قرارداد مقرر می‌دارد که "مرحله دوم پس از مرحله اول انجام خواهد شد" (مضمعه ۱ پیوست ۲)، و باید ظرف یک یا زده ماه "پس از تاریخ تصویب گزارش مرحله اول" تکمیل شود (ماده ۳۱). در قرارداد همچنین قید شده است که "پس از تکمیل هر یک از مراحل"، مرکز پزشکی "هیچگونه تعهدی در مورد ارجاع خدمات مربوط به مراحل بعد به مهندس مشاور" ندارد (ماده ۳-۲) معهدا، پرونده امر نشان نمی‌دهد که مرحله دو کی قرار بود آغاز شود و یا کی آغاز شد. گرچه در نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۷ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) مرکز پزشکی مرحله دوم تصویب شد، با اینحال، بعلاوه در نامه اعلام شده بود که کار مرحله یک تکمیل نشده، زیرا به مهندس مشاور اجازه می‌داد که برنامه زمانی مرحله دوم را آماده نماید، یعنی وظیفه‌ای که در چارچوب مرحله یک قرار می‌گیرد (ماده ۱-۲ الف). در نامه صریحا "اجازه داده نشده بود که مهندس مشاور کار مرحله دو را آغاز کند. در واقع، همانطور که در بالا اشاره شد، ظاهرا "برساین موضوع اختلاف بود که شروع دوره یک یا زده ماهه از چه تاریخی است.

بعلاوه، قرارداد مرکز پزشکی را ملزم می‌ساخت که پیش پرداخت مرحله دوم را در قبال ضمانت نامه بانکی در ابتدای مرحله یا دسده صورت داده و پرداختهای دوم و سوم را، به ترتیب، در هنگام اتمام یک سوم و یک چهارم طول مدت مرحله دوم انجام دهد (ماده ۱۳). معهدا، پیش پرداخت تا ۲۹ اکتبر یا ۷ نوامبر ۱۹۷۷ (۷ آبان ماه یا ۱۶ آبان ماه ۱۳۵۶) تادیه نگردید. دلیل این تاخیر توضیح داده نشده است.

بالاخره، هیچیک از مدارک و ادله ارائه شده، اظهارخواها را مبنی بر اینکه کار مرحله دوم در تاریخ ۳۰ مه ۱۹۷۷ (۹ خرداد ماه ۱۳۵۶) شروع شد، تأیید نمی‌کند. در حقیقت، خواهان تعیین تاریخ مقدمی را صریحا "رد کرده و

و تمدید مهلتها بنا به ضرورت ، در قرارداد پیش بینی شده بود (ماده ۲-۳) .
با توجه به نواقص و تضادهای موجود در مدارک ، تعیین تاریخ شروع دوره
مرحله دوم و موعد سه فقره پرداخت نخستین ، ممکن نیست . بنا براین ، دیوان
چنین نتیجه می گیرد که ادعای بهره برای سه فقره پرداخت اول مرحله دوم با توجه به فقد دلیل ،
وارد نیست .

خواهان ، همچنین به دلیل اینکه سه فقره پرداخت به غلط بر اساس رقم
هزینه مرحله اول که توسط مرکز پزشکی تعیین شده بود ، صورت گرفته و نه بر
اساس برآورد هزینه مقدماتی این مرحله توسط پارتیا ، مطالبه خسارت
بهره نموده است . گرچه صورتحسابهای مرحله دوم به عنوان مدرک ارائه
نشده ، با اینحال باید فرض را بر این نهاد که توافق مربوط به تعویق
مابقی مبلغ واجب الادا برای پرداخت نهائی مرحله اول ، عیناً " شامل
پرداختهای مرحله دوم نیز می شود . علیهذا ، دیوان بر این نظر است که
مرکز پزشکی در محاسبه سه فقره پرداخت نخستین مرحله دوم طبق تعهدات
خود عمل کرده و بنا براین ، تقاضای خواهان برای دریافت بهره براین
مبنا نیز بایم مردود شناخته شود .

خواهان اظهار می دارد که وی وظایف اساسی خود را در مورد مرحله دوم با
تسلیم گزارش آن مرحله در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷)
به تمام رساننده و بنا براین ، طبق قرارداد استحقاق داشته است که مابقی
پرداخت چهارم را ظرف سی روز بعد از آن تاریخ دریافت نماید . خواهان
همچنین ادعا می کند که کار مرحله دوم وی ، طبق ماده ۵ قرارداد ، در تاریخ
۲۴ مه ۱۹۷۸ (۳ خرداد ماه ۱۳۵۷) خود بخود تصویب شده و بنا براین ، وی استحقاق
داشته است که قسط پنجم و آخر مرحله دوم را در ۲۴ ژوئن ۱۹۷۸ (۳ تیر
۱۳۵۷) دریافت نماید . خواهان ، بر مبنای این اظهارات ، هم اصل مطالبی
که حسب ادعا بابت این پرداختها واجب الاداست ، وهم بهره آنها را ،
مطالبه می کند .

ماده ۱۳ قرارداد مقرر می دارد که پرداخت چهارم مرحله دوم " پس از تسلیم گزارش و مدارک کامل" آن مرحله، صورت خواهد گرفت. خواننده مدعی است که مسئول این پرداخت نیست، چه مدارک هرگز به طور کامل ارائه نشده است. خواننده این اظهار را برای این واقعیت مستقر می سازد که پیرا گزارش مرحله دو را فقط به زبان انگلیسی تحویل داده و پارتیا نیز برآورد نهائی هزینه را فقط به فارسی تسلیم نموده، و بنابراین، هردو، الزامات ماده ۳ - ۳ قرارداد را نقض کرده اند.

روشن است که طرفین الزامات ماده ۳ - ۳ را تغییر داده اند. در جلسه ای در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۶ (۹ تیرماه ۱۳۵۵)، یعنی یک هفته پس از امضای قرارداد، نماینده مرکز پزشکی صریحا " به مهندسین مشاور اطلاع داد که :

کلیه مکاتبات و گزارشها به فارسی و انگلیسی و کلیه نقشه ها، مشخصات و محاسبات فقط به انگلیسی خواهند بود.

بعلاوه، باید توجه داشت که پیرا کلیه نقشه ها و مشخصات مرحله اول و نقشه های مرحله دوم برای ابنیه علوم پایه را فقط به زبان انگلیسی تحویل داده و مرکز پزشکی نیز صریحا " این مدارک و اسناد را تصویب نموده است. این واقعیت که پیرا ترجمه فارسی اسناد مرحله دوم را در بقیه مدت پروژه تسلیم نکرد، با توجه به نحوه عمل، و در نبود هرگونه مدرکی دال بر اینکه فقدان ترجمه فارسی مانع ادامه پروژه گردیده است، نمی تواند این نتیجه گیری را توجیه نماید که پیرا کار مرحله دوم را به اتمام نرسانده است. معذک، دیوان بر این نظر است که چون الزام مربوط به دوزبان رسمی در قرارداد فی الواقع رعایت نشده، هرگونه حق الزحمه واجب الادا به خواهان بابت مرحله دوم، باید معادل هزینه ترجمه مدارک آن مرحله کاهش داده شود. دیوان داوری این رقم را ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا تعیین می کند.

همچنین روشن است که در مورد کامل بودن گزارش پیرا باید مستقل از کارپارتیا قضاوت کرد. این درست است که پیرا و پارتیا مشترکا "وانفرادا" طبق قرارداد مسئول بوده اند و بنا بر این، هر یک باید پاسخگوی خسارات وارده ناشی از کار دیگری باشد، مع هذا، شرایط قرارداد دورفتا ربعدی طرفین حاکی از آنست که هم وظایف هر یک از آنها در اجرای کار طبق برنامه زمانی وهم حق هر یک به دریافت حق الزحمه، از وظایف وحق دیگری مستقل و مجزا بوده است. ضمیمه یک قرارداد تصریح می نماید که "وظایف هر موسسه به تفکیک تعیین گردیده است (ص ۲، ضمیمه یک)، در ضمیمه یک همچنین تاریخ های جداگانه ای برای حق الزحمه پرداختی به هر یک از آنها تنظیم گردیده و مقرر شده است که حق الزحمه های قابل پرداخت به هر یک از این شرکتها به طور جداگانه براساس تاریخ های جداگانه فوق پرداخت خواهد شد" (صفحه ۹ ضمیمه یک). بعلاوه، مرکز پزشکی ایران، قسمتی از چهارمین فقره پرداخت را در قبال ضمانت نامه بانکی که توسط پیرا ترتیب داده شده بود، مدتها قبل از تسلیم برآورد هزینه های نهائی توسط پیرا فقط به پیرا پرداخت. با توجه به این امر، روشن است که طرفین هم از نظر انجام کار وهم از نظر حقوق مربوط به دریافت حق الزحمه ترتیبیاتی مجزای از یکدیگر (در مورد پیرا و پارتیا) قائل شده بودند. بدینسان، عدم ارائه ادعائی ترجمه انگلیسی برآورد خالص هزینه های مرحله دوم توسط پیرا، حتی اگر چنین امری نقض قرارداد توسط پارتیا محسوب شود، تاثیری بر انجام کار توسط پیرا یا حق نامبرده نسبت به حق الزحمه ندارد.

خواننده به نامه های اول ژوئیه و ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۰ و ۲۶ تیرماه ۱۳۵۷) مرکز پزشکی به عنوان تائید ادعای خود مبنی بر ناقص بودن مدارک اشاره می نماید. مع هذا، صورتجلسه نشستهای ۱۰ ژوئیه و ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۹ و ۲۶

تیرماه ۱۳۵۷) به روشنی حاکیست که نگرانی مراکز پزشکی در آن موقع فقدان ترجمه ها نبوده، بلکه آنچه که وی را نگران می کرده، ضرورت ارائه "رسمی" مجموعه کامل اسناد مرحله دوم بوده است. پیرا قبول کرد که مجموعه واحدی از اسناد مورد بحث را ارائه دهد و در ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۸ (اول مرداد ماه ۱۳۵۷) نیز اینکار را به انجام رساند. باید توجه داشت که نه مراکز پزشکی در آن موقع و نه خواننده در حال حاضر ادعا نکرده اند که اسناد مرحله دوم قبلاً، حداقل به یک زبان تسلیم نشده بودند. روشنترین دلیل کامل تلقی کردن اسناد تسلیمی نامه مورخ ۱۹ اوت ۱۹۷۸ (۲۸ مرداد ۱۳۵۷) مرکز پزشکی است که ضمن آن ضمانت بانکی را که توسط پیرا جهت تضمین قسمتی از چهارمین فقره پرداخت جداگانه ترتیب داده شده بود، آزاد کرده است. در این نامه مرکز پزشکی اعلام نموده که پیرا "کلیه تعهداتش را در قبال پروژه مرکز پزشکی ایران انجام داده است".

بدینسان، از آنجا که پیرا آخرین نقشه های مرحله دوم را در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۷۸ (۸ فروردین ماه ۱۳۵۷) تحویل داده است، لذا صرف نظر از فقدان ترجمه مورد بحث در فوق، با تحویل گزارش مرحله دوم در ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) اسناد تسلیمی پیرا تکمیل گردید. در این صورت، طبق شرایط جداگانه پرداخت در قرارداد، پیرا مستحق دریافت حق الزحمه مرحله دوم می شد. معذک، گرچه جزئیات امر به دیوان ارائه نشده، با اینحال چنین به نظر می آید، که ترتیباتی که منجر به تادیه زودتر از موعد قسمتی از پرداخت چهارم گردید، متضمن موافقت پیرا به معتبر نگهداشتن ضمانت نامه بانکی اش و تعویق تادیه مابقی پرداخت چهارم تا تسلیم برآورد نهائی هزینه توسط پارتیا بود. پیرا صورت حساب مابقی پرداخت چهارم را تا تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۷۸ (۵ تیرماه ۱۳۵۷)، یعنی پس از تسلیم مدارک توسط پارتیا در ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد ماه)، ارائه نکرد. بنابراین، پیرا، طبق ماده ۱۳ قرارداد، حق داشت مابقی پرداخت

چهارم رادر ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۷ تیرماه ۱۳۵۷)، یعنی ۳۰ روز پس از موعدی که ظاهراً "طبق ترتیبات یادشده تعیین گردیده بود، با تسلیم برآوردنهایی هزینه در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۸ خردادماه ۱۳۵۷) دریافت کند. با توجه به نتیجه گیری فوق مبنی بر اینکه سه فقره پرداخت اول به طور صحیح مبتنی بر برآورد هزینه مقدماتی مرحله اول بود که توسط مرکز پزشکی قبول شده بود، پیرا حق داشت یک پنجم $\frac{2}{375}$ درصد مبلغ ۹,۰۵۳,۹۹۵,۳۴۴ ریال را، منهای مبلغ دریافتی قبلی بابت قسمتی از پرداخت چهارم و منهای مبالغی که بابت مالیاتها و سپرده حسن انجام کار کسومی شد، یعنی کلاً "مبلغ ۱۰,۹۹۰,۴۷۴ ریال و یا ۱۵۶,۲۲۶ دلار آمریکا، به عنوان طلب دریافت نماید.

ماده ۱۳ قرارداد مقرر می دارد که "باقی حق الزحمه مرحله دوم پس از تصویب گزارش آن مرحله پرداخت خواهد شد". به این مساله در اینجا ایرادی گرفته نشده که مرکز پزشکی رسماً "گزارش مرحله دوم را تصویب کرد. مع هذا، خواهان معتقد است که به موجب مفاد ماده ۵ قرارداد، کار وی خود بخود تصویب گردیده و بنا بر این سی روز پس از تصویب، وی مستحق دریافت حق الزحمه مرحله دوم بوده است.

خواننده با اظها را این مطلب که کارناقص بوده منکر آنست که کار مرحله دوم طبق ماده ۵ تصویب شده است. خواننده در وهله اول به این ادعا استناد می کند که اسناد مرحله دوم طبق الزام قرارداد ترجمه نشده بودند. دیوان در مورد مساله فقدان ترجمه قبلاً "نتیجه گیری خود را به دست داده است.

خواننده سپس به این ادعا استناد می کند که برآورد هزینه نهای پارتیا در مورد مرحله دوم از بودجه مصوب دولت ایران برای پروژه، حسب ادعا برخلاف قرارداد، تجاوز کرده است. معذک، حتی اگر مساله اجرای تعهد

پارتیا به ادعای پیریا مربوط و بنا به دلیل مذکور در فوق ناقص هم می بود، باز مرکز پزشکی متعهد بود که ظرف یکماه پس از دریافت برآورد هزینه نهائی نظرش را در مورد این موضوع اعلام دارد. ظاهراً "مرکز پزشکی اظهار نظر کرد که پارتیا در محاسبه برآوردها از آخرین ضوابط و موازین سازمان برنامه و بودجه استفاده ننموده، که متعاقب آن، اصلاحاتی در برآوردها به عمل آمد و برآورد اصلاح شده در تاریخ ۳ سپتامبر (۱۲ شهریور) تسلیم گردید. با وجود این، مدرکی نیست که نشان دهد مرکز پزشکی تا ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۵ مهرماه ۱۳۵۷)، یعنی تقریباً "چهار ماه پس از تسلیم برآوردها، اظهار نظری مبنی بر عدم انطباق برآوردها با بودجه مصوب پروژه، کرده باشد. بنا بر این، حتی اگر یکماه مهلت اظهار نظر در رابطه با کار پیریا از تاریخ تحویل کار پیریا آغاز شود، نمی توان با استناد به دلیلی که اکنون خواننده اقامه می کند، از اعمال شرط مربوط به تصویب خود به خود در ماده ۵، جلوگیری به عمل آورد.

معدک، دیوان اینطور نتیجه می گیرد که این ادعا نه به مساله اجرای تعهد پیریا مربوط می شود و نه مدارک آنرا تأیید می کنند. همانطور که در بالا بحث شد در قرارداد مقرر شده بود که وظایف مربوطه پیریا و پارتیا، و همچنین حقوق مربوطه ایشان نسبت به اجرت، طبق قرارداد، دو امر جداگانه تلقی خواهد شد. به طور مسلم مسئولیت تضامنی، هیچ ربطی به مطالبی که باید "از حق الزحمه های مربوطه قابل پرداخت" به یکی از پیمانکاران به علت تاخیر در کارش، کسر شود ندارد. (رجوع شود به ماده ۲ - ۱۳ قرارداد). مکانیسم تصویب مندرج در ماده ۵ در مورد اجرای تعهد توسط هر یک از پیمانکاران، مستقل عمل می کند. بعلاوه، مدارک حاکیست که تجدید نظرهای در طرح های مرحله دوم به عمل آمد که فی الواقع هزینه برآورده نهائی را به بودجه ۱۵ میلیارد ریالی که مرکز پزشکی طی نامه مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۵ مهرماه ۱۳۵۷) خود اعلام کرده

بود، محدود کرد. بنا براین، صرفنظر از اینکه ارقام بودجه را بتوان قانوناً "مورد استناد قرارداد دایانه - چراکه طبق اظهار خواهان، مرکز پزشکی با عدم اعتراض به مشخصات طرح پس از اصلاح آن در مه ۱۹۷۸، از حق خود نسبت به اینکار (استناد به بودجه - م) اعراض کرده است - هیچگونه نقض قراردادی در این زمینه نمی‌توانسته صورت گرفته باشد.

مرکز پزشکی ملزم بود که ظرف یک ماه پس از ارائه گزارش مرحله دوم، یعنی تا ۲۴ مه ۱۹۷۸ (۳ خرداد ماه ۱۳۵۷) هرگونه عیب و نقصی را اعلام نماید. مدارک موجود حاکی است که مرکز پزشکی، در واقع اظهار نظر کرده و پیرا نیز تا ۱۳ مه ۱۹۷۸ (۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) کلیه تغییرات خواسته شده را انجام داده است. سوابق امر حاکی از هیچ نشانی نیست که مرکز پزشکی ظرف یک ماه مهلت مورد بحث هیچیک از نواقص ادعائی را خاطر نشان ساخته باشد که پیرا آنرا بر طرف نکرده باشد. بدینسان، دیوان هیچگونه دلیلی در دست ندارد که کار پیرا در مرحله دوم را، طبق ماده ۵ تصویب شده تلقی نکند.

در رابطه با مبلغ واجب الادا، دیوان بر اساس رقم ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال اعلام شده توسط مرکز پزشکی به عنوان حداکثر هزینه‌ها یعنی همان رقمی که خواهان آنرا مبنای ادعاهایش قرار داده، مبلغ بدهی را محاسبه می‌نماید.

موضوعی که در اینجا باید حل شود اینست که آیا هزینه برآوردنهای مرحله دوم، هزینه‌های ابنیه علوم پایه را نیز که قبلاً مورد بحث واقع شد، شامل می‌شود یا خیر. از مدارک موجود کلاً روشن نیست که قصد طرفین در این مورد چه بوده است مع الوصفه دیوان داوری متذکر می‌شود که مفاد برآوردنهای که در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۲ شهریور ماه ۱۳۵۷) تسلیم شده، خود نمایانگر رقم کل هزینه "بابت تمامی پروژه" بوده و نیز حاکیست که در برآورد اصلاح شده ۲۵ فوریه ۱۹۷۹ (۶ اسفند ماه ۱۳۵۷)

مبلغی "بابت کلیه ابنیه، معماری، تاسیسات برقی و مکانیکی"، بدست میدهد. حد ۱۵ میلیارد ریالی بودجه پروژه ظاهراً "تمامی پروژه، از جمله ابنیه یادشده را، در بر می‌گرفت. با توجه به این نکته، و در نبود مدارک مستدل کافی که خلاف آنرا نشان دهد، دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که خواهان استحقاق خود را به دریافت حقالزحمه بر مبنای برآوردی نهائی که رقم کل آن از رقم بودجه، تجاوز کند، اثبات نکرده است. بر همین اساس، مبلغ واجب الادا به خواهان بابت مرحله دوم بر اساس برآورد هزینه نهائی باید به میسران — ۲۶۲،۲۸۴/- دلار آمریکا بابت ابنیه علوم پایه، که قبلاً" خواهان را مستحق آن شناخته بودیم، کسر شود.

از آنجا که برآورد نهائی هزینه قرار بود به عنوان مبنای محاسبه پرداخت نهائی مرحله دوم به کار گرفته شود، پرداخت مزبور نمی‌توانست تا تسلیم برآورد اصلاح شده، یعنی تا تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۲ شهریور ماه ۱۳۵۷) واجب الادا تلقی شود، و بنا بر این، موعد پرداخت آن سی روز پس از آن تاریخ یعنی ۳ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۱ مهر ماه ۱۳۵۷) بود. اینک رقم مورد بحث بعداً "به ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال تغییر داده شد، بر زمان اجرای تعهد پرداخت تا شیرو نمی‌گذارد.

بعلاوه، به نظر می‌آید که ترتیب مورد توافق طرفین در مورد ارائه ترجمه فارسی اسناد مرحله دوم متضمن این بوده که مرکز پزشکی ارائه ترجمه‌ها، ده درصد مکسوره بابت حسن انجام کار مرحله دوم را نزد خود نگاه دارد. نظر به اینکه قبلاً" نتیجه‌گیری شد که از حقالزحمه واجب الادا به خواهان بابت مرحله دوم باید هزینه‌های ترجمه کسر شود، دیوان معتقد است که خواهان مستحق دریافت کسورات حسن انجام کار از ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۹ دیماه ۱۳۵۷) تا تاریخی است که مرکز پزشکی تصمیم گرفت پروژه را تا مدت نامحدودی بحالت تعلیق درآورد.

در نتیجه، خواهان استحقاق دارد مبلغ ۱,۸۰۵,۷۴۵ دلار آمریکا به عنوان حق الزحمه مرحله دوم از تاریخ ۳ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۱ مهر ماه ۱۳۵۷) دریافت نماید. رقم مذکور معادل ۲/۳۷۵ درصد مبلغ /- ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است که به نرخ تسعیر رایج در آن موقع، به دلار تبدیل گردیده، منهای پرداخت های قبلی مرحله دوم (از جمله ابنیه علوم پایه) و منهای مالیاتها، سپرده حسن انجام کار و مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار مربوط به ترجمه اسناد مرحله دوم. خواهان، همچنین استحقاق دارد مبلغ ۵۰۶,۳۹۷ دلار آمریکا، یعنی معادل دلاری مبلغ ۳۵,۶۲۵,۰۰۰ ریال مکسوره بابت تضمین حسن انجام کار، از تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۹ دیماه ۱۳۵۷)، دریافت نماید.

خواهان، مضافاً " مستحق دریافت شش درصد بهره، مقرر در قرارداد، نسبت به اصل کلیه میالغ بدهی بابت مرحله اول به شرح مذکور در فوق، از تاریخی که هر یک از بدهی ها واجب الادا و قابل پرداخت بوده، می باشد.

۴ - ادعای مربوط به مرحله سوم

تسریع کار ساختمان ابنیه علوم پایه شامل خدمات پیرا در مرحله سوم بوده که مرکز پزشکی اجرت آنرا پرداخت کرده است. خواهان، اکنون طالب مبلغ ۱۰ درصد مکسوره به عنوان ضمانت حسن انجام کار از پرداختهای مرکز پزشکی است، که طبق اظهار خواهان در ۳ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۲ آبانماه ۱۳۵۷) واجب الادا بوده است. خواننده به طور کلی منکر مسئولیت است.

اختلافی بر سر این نکته نیست که کلاً " ۵۰۰,۹۴۱ ریال از جوهی که بابت کار مرحله دوم به پیرا پرداخت شده، توسط مرکز پزشکی کسر گردیده و یا اینکه مبلغ مزبور بلا پرداخت مانده است.

ماده ۳ - ۱۵ قرارداد مقرر می‌دارد:

چنانچه اجرای هر مرحله‌ای به تاخیر افتد و این تاخیر از یکسال متجاوز گردد، کارفرما متعهد می‌شود که ضمانت حسن انجام کار را که توسط مهندس مشاور بابت مرحله یا مراحل قبلی سپرده شده آزاد کرده، و عیناً " بیه وی مسترد دارد.

نظارت بر ساختمان ابنیه علوم پایه هنگامی متوقف شد که مرکز پزشکی در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۹ دیماه ۱۳۵۷) پروژه را به طور نامحدود به حالت تعلیق درآورد. لذا، پس از یکسال تاخیر، مبالغی که قبلاً کسر شده بود، طبق ماده ۳ - ۱۵، در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۹ (۹ دیماه ۱۳۵۸) واجب‌الاداء شده و طبق ماده ۴ - ۱۳، سی روز پس از آن، یعنی در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۸۰ (۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸)، موعود پرداخت آنها سر رسید. نظریه اینکه هیچگونه دفاعی در توجیه عدم استرداد مبالغ مکسوره توسط مرکز پزشکی ارائه نشده، بنابراین خواهان حق دریافت معادل دلاری مبالغ مکسوره مرحله دوم یعنی ۷,۱۰۶ دلار آمریکا را، دارد. بعلاوه، خواهان، طبق قرارداد، استحقاق دریافت بهره این مبلغ را از تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۸۰ (۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸) به نرخ شش درصد در سال، دارد.

۵ - ادعاهای مربوط به حق الزحمه خدمات اضافی

مدارک حاکیست که مرکز پزشکی از پیرا در خواست کرده بود که طرح یک پارکینگ را در محوطه‌ای خارج از حدود و شعور پروژه مصرح در قرارداد تهیه نماید. مدارک همینطور حاکیست که پس از تهیه طرح خوابگاه مصرح در پروژه، مرکز پزشکی تقاضا کرده بود که طرح خوابگاه با توجه به تغییری که در حدود و شعور پروژه داده شده بود، تجدید گردد و نیز اینکه مرکز پزشکی درخواست کرده بود که برنامۀ تسطیح محوطه و زهکشی مورد تجدید نظر واقع شود. مدارک همچنین حاکی از آنست که پیرا خدمات مورد تقاضا را ارائه نموده، مرکز پزشکی کارها را تصویب کرده و پیرا صورت حسابهای کار را تسلیم داشته بود.

خوانده هیچ مدرکی در رده نتیجه گیریهای فوق ارائه نکرده است . تنها موضوعی که باید حل شود اینست که آیا خدمات مذکور جزو کارهایی بوده که قرار بود طبق برنامه انجام شود و اینکه ، بنا بر این شرایط قرارداد در مورد تاریخ پرداخت حق الزحمه ، خدمات مذکور را نیز در بر می گیرد یا خیر .

در رابطه با پارکینگ ، صورت جلسه نشستی که طرفین در ۴ اوت ۱۹۷۶ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۵۵) داشته اند آشکار می سازد که هنگامی که موضوع اولین بار مورد بحث واقع شد ، پیرا به نمایندگان مرکز پزشکی خاطر نشان ساخت که مرکز پزشکی نمی تواند خارج از حدود و شغور پروژه اقدام به بنا کند . با وجود این ، پیرا موافقت کرد که دو طرح مختلف برای پارکینگ خارج از محوطه (پروژه) با آهنگی سریعتر ، تهیه نماید . متعاقب تسلیم طرحها ، مرکز پزشکی به پیرا اطلاع داد که زمین خارج از محوطه در اختیار پروژه نیست . در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۷ (۲۷ فروردین ماه ۱۳۵۶) پیرا صورت حساب هزینه های را که در تهیه طرحها متحمل شده بود ، با اظهار این مطلب که خدمات مورد بحث خارج از محدوده کارهای مورد توافق است ، ارائه نمود .

عبارت متن قرارداد موضع پیرا را تا این می نماید . ماده ۱ قرارداد تحت عنوان "موضوع قرارداد" مقرر می دارد . " این قرارداد برای خدمات مهندسی در رابطه با قرارداد ... به شرح موصوف در ضمیمه یک منعقد می شود " . ماده ۱ ضمیمه یک قرارداد به این شرح است :

پروژه در تهران در زمینی بمساحت یکصد هزار متر مربع که از طرف شمال به شاهراه ایوبی و از طرف شرق به اتوبان ونک محدود است و شامل حدوداً " ۱۶۰۰۰۰ متر مربع زیر بنا خواهد بود واقع است .

در مورد ساختمان خوابگاه ، مدارک نشان می دهد که پیرا در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۷ (۶ مهر ماه ۱۳۵۶) به اطلاع مرکز پزشکی رساند که تغییری که در حدود و شغور پروژه داده شد ، تحدید نظر در نقشه های مرحله یک را در مورد ساختمانی که قبلاً تکمیل گردیده و در تاریخ اول فورید ۱۹۷۷ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۶) تحویل داده شده بود ، ضروری ساخته و بنظر پیرا این کار ، یک خدمت اضافی است . مرکز پزشکی ، در پاسخ اجازه کار مورد بحث

رادادودر ۲ نوامبر ۱۹۷۷ (۱۱ آبان ماه ۱۳۵۶) طرح تجدیدنظرشده را تصویب نمود. پیرا، در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۷۸ (اول اسفند ماه ۱۳۵۶) صورت حساب کار را تسلیم داشت.

در رابطه با طرح تسطیح محوطه و سیستم زهکشی، مدارک حکایت از آن دارد که مدت ها پس از آنکه طرح اولیه با شتاب بیشتری تکمیل گردید، مرکز پزشکی به پیرا دستور داد که یک طرح اصلاحی آماده نماید. طرح اصلاحی نیز تهیه شده و در ۸ مارس ۱۹۷۸ (۱۸ اسفند ماه ۱۳۵۶) پیرا صورت حساب این خدمات را ارائه کرد.

با توجه به واقعیات فوق، روشن است که طرح های پارکینگ خارج از حدود کارها ثنی بوده که مشخما " در قرارداد تشریح شده و نیز اینکه طراحی مجدد خوابگاه و تجدیدنظر در طرح های تسطیح محوطه و زهکشی صریحا"، متعاقب تصویب کار اولیه روی این بخش های پروژه، اجازه داده شد و آماده گردید. بنابراین، هر کدام از این خدمات را باید کار جداگانه ای تلقی کرد. ماده ۲ - ۲ قرارداد به شرح زیر مقرر می دارد:

کارفرما در هر موقع حق خواهد داشت تا حدود معقول و متناسبی خدمات مورد احتیاج را تغییر داده و بعضی خدمات را حذف یا اضافه نماید. در این صورت مدت قرارداد و حق الزحمه مهندس مشاور نیز متناسباً با توجه به کار و هزینه و تعهدات انجام شده به ترتیبی که مورد توافق طرفین قرار گیرد کسریا اضافه خواهد شد. (متن اصلی قرارداد - م)

بدین طریق، قرارداد مرکز پزشکی را ملزم می ساخت که حق الزحمه این قبیل خدمات اضافی را بپردازد. خواننده ایراد نگرفته است که حق الزحمه های مورد تقاضای خواهان کفاف یا غیر معقول است. اگرچه قرارداد متضمن مکانیسمی برای جبران این قبیل خدمات اضافی نیست، با این حال ماده ۱۳ به طور ضمنی دلالت بر این دارد که حق الزحمه خدمات مزبور می بایست سی روز پس از تسلیم صورت حساب های مربوط پرداخت میشد.

علیهذا، دیوان داوری بر این نظر است که خواهان استحقاق دارد که مبالغ زیر را پس از کسر ۵/۵ درصد بابت مالیات های متعلقه و پس از تبدیل به دلار آمریکا به نرخ مقتضی دریافت نماید: ۳۷,۸۲۶ دلار آمریکا بابت تهیه طرح های پارکینگ خارج از محوطه، ۳۳,۶۱۲ دلار آمریکا بابت تهیه طرح مجدد ساختمان های خوابگاه، و ۱,۰۹۳ دلار

امریکا بابت تجدیدنظر در طرح تسطیح محوطه ورزشکشی. خواهان، همچنین استحقاق دارد که بهره‌مبالغ مذکور را به نرخ مصرح در قرارداد، یعنی شش درصد در سال، از تاریخی که هریک از دیون، به شرح بالا و اجسب الادا می‌شد، دریافت نماید.

۶ - ادعاهای سلب مالکیت

خواهان مدارکی تسلیم ننموده که دلالت بر این داشته باشد که وی از برداشت از حسابهای که در شعب یک بانک ایرانی داشته منع گردیده است. بعلاوه، خواهان ثابت نکرده است که ملی کردن بانکهای ایرانی در حکم "گرفتن" (taking) وجوهی بوده که وی در حسابهایش داشته است. لذا، دیوان دآوری ادعای سلب مالکیت از حسابهای بانکی پریرار را رد می‌کند.

در رابطه با محتویات دفاتر پریرار در تهران، و اتومبیل شرکت پریرا، خواهان نسخه‌ای از اطلاعاتیه‌های صادره‌ای را که در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۳ مهر ماه ۱۳۵۹) توسط "پاسداران انقلاب اسلامی" صادر گردیده، ارائه نموده است. به صحت و سندیت این مدرک ایرادی گرفته نشده است. طبق حقوق بین‌الملل عمومی، ایران باید مسئول اعمال پاسداران انقلاب شناخته شود. بر این اساس، خواهان اکنون استحقاق دارد که به عنوان خسارت، ارزش اموال را از تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۳ مهر ماه ۱۳۵۹) دریافت دارد.

تنها مدرک با ارزشی که در رابطه با اموال صادره شده ارائه گردیده سیاه‌های است حاوی اموال همراه با قیمت خرید و لیست هر قلم، که جمع کل آن به ۵،۴۵۵،۹۹۰ ریال بالغ می‌شود. با در نظر گرفتن استهلاک احتمالی اقلام عمده و بیهای رسمی فروش اقلام کوچک، دیوان دآوری چنین نتیجه می‌گیرد که ارزش اموال صادره شده در ۵ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۳ مهر ماه ۱۳۵۹) برابر ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال است که معادل دلاری آن به نرخ مناسب ۱۴،۱۹۲ دلار می‌شود. خواهان حق دریافت این مبلغ را به عنوان خسارت عدم جبران "گرفتن" اموال دارد. چون خواهان بهره‌این خسارات را مطالبه نکرده، لذا دیوان حکم به پرداخت بهره در این ادعا نمی‌دهد.

بخش هفتم - ادعاهای متقابل

۱ - ادعاهای متقابل براساس نقض قرارداد

خواننده دوا دعای متقابل بر مبنای نقض ادعائی قرارداد مطرح ساخته است . از آنجا که این ادعاها مبتنی بر همان قراردادی است که موضوع ادعاهای مطروح در این پرونده بوده و ضمناً " این دعاوی متقابل، متوجه خواهان و از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده اند، علیهذا، دیوان داوری به موجب بند اماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی نسبت به این ادعاهای متقابل دارای صلاحیت است .

موضوع مطروح در اولین فقره از دوا دعای متقابل مزبور اینست که آیا عدم ارائه اسناد مرحله دوم توسط پریرا، ظرف مهلت مقرر در قرارداد، نقض قرارداد بوده است ؟

خواننده استدلال می کند که موعد تسلیم اسناد مرحله دوم ۱۷ آوریل ۱۹۷۸ (۲۸ فروردینماه ۱۳۵۷) بوده، اما تا به حال اسناد "تسلیم" نشده اند چرا که ترجمه های فارسی آنها تحویل داده نشده است . خواننده این موضوع را به نحو دیگری مطرح ساخته و استدلال می کند که کار مرحله دوم پریرا را می توان حداکثر در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آذرماه ۱۳۵۷) تحویل شده دانست یعنی تاریخی که پریرا به مرکز پزشکی اطلاع داد که قراردادی جهت تهیه ترجمه ها بسته است .

بر اساس نتیجه گیریهای قبلی، دیوان داوری معتقد است که اجرای کار مرحله دوم توسط پریرا با تسلیم گزارش مرحله دوم در ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) تکمیل شد . اینکه آیا این گزارش دیر تسلیم شده منوط به تعیین این مطلب است که آیا موعد تسلیم آن، طبق اظهار خواننده، ۱۷ آوریل ۱۹۷۸ (۲۸ فروردینماه ۱۳۵۷) بوده است یا خیر . ماده ۱ - ۳ قرارداد مقرر می دارد که مرحله دوم، " ۱۱ ماه پس از تاریخ تصویب گزارش مرحله اول" خاتمه خواهد یافت . معذالک، همانطور که در بالا بحث شد، چنین به نظر می آید که طرفین شرایط قرارداد را، خواه صریحاً، با تراضی متقابل و خواه به طور ضمنی، با نحوه رفتار خود تغییر دادند .

در حالیکه در پیوست شماره ۲ قرارداد پیش بینی شده که مرحله دوم به دنبال مرحله اول شروع خواهد شد، و اگر چه طرفین خدمات مرحله اول را بقدر کافی کامل تلقی می کردند، با این حال کار مرحله اول عملاً پس از نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۷ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) دایر بر تصویب مرحله دادا مه یافت و تا تسلیم برنامه زمانی کار مرحله دوم در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۷ (۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۶)، به طور قطع خاتمه نیافت. اینکجه چه موقع مرکز پزشکی، طبق ماده ۳ - ۲، به مهندس مشاور اطلاع داده که می تواند اجرای مرحله دوم را آغاز کند و یا اینکجه چه موقع مرکز پزشکی دستور آغاز کار مرحله دوم را داد، معلوم نیست. با توجه به این انحرافها از مشی تعیین شده در قرارداد، محتمل است که قصد طرفین از ماده ۱ - ۳ این بوده که طول مدت مرحله دوم یا زده ماه پس از شروع آن باشد. فی الواقع، همانطور که در بالا اشاره شد، در قرارداد انجام تغییرات ضروری در برنامه زمانی پیش بینی شده است. از آنجا که تعیین دقیق زمان شروع مرحله دوم ممکن نیست، لذا تعیین موعد تسلیم اسناد مرحله دوم نیز، امکان پذیر نمی باشد.

دیوان داوری، با استناد به نتیجه گیریهای قبلی خود در رابطه با عدم ترجمه اسناد مرحله دوم، معتقد است که مدارک کافی در دست نیست که ثابت کند پیرا در انجام کار تاخیر نموده و بنا بر این از وظایف خود طبق قرارداد، تخلف کرده است. لذا، ادعاهای متقابل نمی تواند مسموع باشد.

خواننده همچنین اظهار می دارد که پیرا تعهد خود را در مورد معتبر نگه داشتن ضمانت نامه بانکی به عنوان وثیقه پیش پرداخت مرحله دوم، نقض کرده است. ماده ۱۳ مقرر می دارد که ضمانت نامه بانکی با تصویب گزارش مرحله دوم، توسط مرکز پزشکی ایران آزاد خواهد شد. با توجه به نتیجه گیری بالامینی برای آنکه گزارش مرحله دوم، به موجب ماده ۵ قرارداد، تصویب شده است، هر تعهدی که پیرا نسبت به معتبر نگه داشتن ضمانت نامه بانکی داشته، در تاریخ چنین تصویبی منتفی شده است. بنا بر این، دیوان باید این ادعای متقابل را مردود شناسد.

۲ - ادعاهای متقابل بابت مالیات و حق بیمه‌های اجتماعی

خوانده، هم‌درلیحه دفاعیه اصلی که در ۷ مه ۱۹۸۲ (۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) توسط مرکز پزشکی و وزارت مسکن و شهرسازی ثبت شده، و هم درلیحه اصلاحی که در ۳۱ ژانویه ۱۹۸۳ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۱) ثبت گردیده، ادعاهای متقابلی بابت مالیات و حق بیمه‌های اجتماعی و جرایم مطرح ساخته، بدون اینکه مبنای واقعی و حقوقی این ادعاهای متقابل را به کفایت روشن سازد. هیچیک از این لوایح حاوی مدرکی در تأیید ادعاهای متقابل مذکور نبوده است. در اظهاریه تکمیلی مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۲ (۱۵ خرداد ماه ۱۳۶۱) مرکز پزشکی و وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران، نسخ برخی اعلامیه‌ها و محاسبات مالیاتی بدون هیچگونه توضیحی، ارائه شده است. در ۱۲ مه ۱۹۸۳ (۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) و دوم مارس ۱۹۸۴ (۱۲ اسفند ماه ۱۳۶۲) وزارت امور اقتصادی و دارایی مدارک غیرمجازی شامل اعلامیه‌ها و محاسبات مالیاتی جدید به ثبت رساند. هیچگونه مدرک دیگری در خصوص بدهی‌های مالیاتی، پیش از جلسه استماع ارائه نشده و هیچ مدرکی در تأیید ادعای متقابل مربوط به حق بیمه‌های اجتماعی ادعائی، تسلیم نگردیده است.

دیوان داوری هنوز تعیین نکرده است که نسبت به ادعاهای متقابلی از این نوع دارای صلاحیت است یا خیر و در اینجا ضرورتی نیز برای اینکار نیست. مدارک موجود در پرونده حاضر کافی برای این نتیجه‌گیری نیست که به فرض که مالیات و حق بیمه‌ای هم‌درکار باشد، از چه بابتی، واجب‌الاداست. در واقع در ادعای متقابل، حتی عین اظهارنامه‌های مالیاتی تسلیمی نیز، ارائه نگردیده است. پیرامون مدارک کارشناسی ارائه نموده‌هاکی از اینکه حسابداران خبره‌ای در ایران داشته‌اند که به امور مالیاتی وی رسیدگی می‌نمودند و اینکه، مبالغی بابت مالیات از وی کسر می‌شده، شرکت ضرر می‌داده و ضمناً " ادعای متقابل، برخی از مبالغ و مالیات‌هایی را که قبلاً" از پیش پرداختها کسر شده، در نظر گرفته است. حتی اگر دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مزبور صلاحیت داشته باشد، این ادعاهای متقابل باید به علت فقدان دلایل کافی رد شوند.

بخش هشتم - خلاصه خسارات

خساراتی که باید به خواهان پرداخت شود ذیل " خلاصه شده است :

اصل مبالغ (به دلار آمریکا) بهره (لغایت ۳۰ مه ۱۹۸۳/۹ خرداد ۱۳۶۲)

ادعای مرحله اول	۱۹۶،۳۴۷	(از ۷۸/۱۰/۳ برابر ۵۷/۷/۱۱) ۵۴،۸۳۷ دلار
<u>ادعاهای مرحله دوم</u>		
ابنیه علوم پایه	۲۶۲،۲۸۴	۹۶،۰۲۱۳ (از ۷۷/۴/۱۲ برابر ۵۶/۱/۲۳)
مانده پرداخت چهارم	۱۵۶،۲۲۶	۴۵،۰۵۰۱ (از ۷۸/۷/۱۸ برابر ۵۶/۴/۲۷)
پرداخت پنجم منهای کسور	۱،۸۰۵،۷۴۵	۵۰۴،۰۳۲۲ (از ۷۸/۱۰/۳ برابر ۵۶/۷/۱۱)
کسور مرحله دوم	۵۰۶،۳۹۷	۱۳۳،۰۹۶۰ (از ۷۸/۱۲/۳۰ برابر ۵۶/۱۰/۹)
	۲،۷۳۰،۰۶۵۲	۷۷۹،۰۹۹۶
ادعای مرحله سوم	۷،۱۰۶	(از ۸۰/۱/۳۰ برابر ۵۹/۱۱/۱۰) ۱۰،۴۱۹
<u>ادعاهای مربوط به کار اضافی</u>		
پارکینگ	۳۷،۸۲۶	۱۴،۰۷۴ (از ۷۷/۵/۱۶ برابر ۵۶/۲/۲۶)
طراحی مجدد خوابگاه	۳۳،۶۱۲	۱۰،۰۴۶۸ (از ۷۸/۳/۲۲ برابر ۵۷/۱/۲)
تجدید نظر در طرح تسطیح محوطه	۱،۰۹۳	۳۳۷ (از ۷۸/۴/۷ برابر ۵۷/۱/۱۸)
	۷۲،۵۳۱	۲۴،۸۷۹
ادعاهای سلب مالکیت	۱۴،۱۹۲	
کل اصل مبلغ	۳،۰۲۰،۸۲۸	کل مبلغ بهره ۸۶۱،۱۳۱

لغایت ۸۳/۵/۳۰ (۶۲/۳/۹)

کل اصل مبلغ با اضافه بهره لغایت ۳۰ مه ۱۹۸۳ (۶۲/۳/۹) = ۳،۸۸۱،۰۹۵۹ دلار آمریکا

خواهان همچنین مستحق دریافت شش درصد بهره نسبت به مبلغ ۳،۰۰۶،۶۳۶ دلار آمریکا،

یعنی کل اصل مبلغ فوق الذکر منهای ۱۴،۱۹۲ دلار آمریکا که بابت ادعاهای سلب مالکیت منظور گردیده، می باشد، که بابت تاریخ ۳۰ مه ۱۹۸۳ (۱۰ خرداد ماه ۱۳۶۲) تا تاریخ دستور پرداخت از حساب تضمینی، محاسبه شود.

بخش نهم - هزینه ها

دیوان، بابت هزینه های داوری مبلغ ۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا به نفع خواهان حکم می دهد.

بخش دهم - حکم

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر می کند:

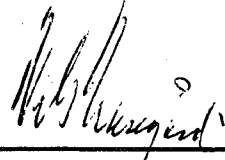
ادعاهای متقابل رد می شوند.

خواننده جمهوری اسلامی ایران متعهد است، و باید، بابت کلیه ادعاهای پرونده حاضر، از جمله اصل مبالغ واجب الادا، بهره متعلقه تا ۳۰ مه ۱۹۸۳ (۹ خرداد ماه ۱۳۶۲) و هزینه های داوری، مبلغ سه میلیون و نهصد و شصت و هشتاد و پنج دلار آمریکا (۳،۹۰۶،۹۵۹ دلار) با اضافه بهره ساده به نرخ شش (۶) درصد در سال نسبت به اصل مبلغ ۳،۰۰۶،۶۳۶ دلار آمریکا، از تاریخ ۳۱ مه ۱۹۸۳ (۱۰ خرداد ماه ۱۳۶۲) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از حساب تضمینی را بدهد، به خواهان ویلیام ال. پیرا اسوشی ایتس ایران، بپردازد.

پرداخت فوق از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزیره صورت خواهد گرفت.

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

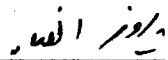
لاہہ، بہ تاریخ ۱۷ مارچ ۱۹۸۴ برابر با ۲۷ اسفندماہ ۱۳۶۲



نیلس منگارد

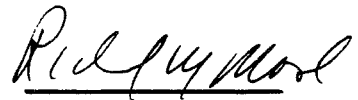
رئیس شعبہ سہ

بہ نام خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف



ریچارد ام. ماسک

نظر موافق